

بایدها و نبایدهای
عزاداری
ناصر باقری بیدهندی

بسم الله الرحمن الرحیم

بایدها و نبایدهای عزاداری

نویسنده:

ناصر باقر بیدهندی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بایدها و نبایدهای عزاداری

مشخصات کتاب

نویسنده : ناصر باقری بیدهندی

ناشر:ناصر باقری بیدهندی

سوگواری در اسلام

عزاداری و سوگواری هدفمند بر عزیزان از دست رفته، طبیعی بشر است و از مهر و محبت سرچشمه می گیرد و از آغاز آفرینش تا عصر حاضر رواج داشته است، لکن در این نوشته به رویکرد اسلام در این باره پرداخته می شود.با مراجعه به منابع معتبر می توان دریافت که پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در مرگ بسیاری از افراد گریست؛ مانند گریستن بر حمزه، جعفر، ابراهیم و عثمان بن مظعون. [۱] سال وفات حضرت خدیجه و جناب ابوطالب را در مکه، عام الحزن، یعنی سال عزا نامید و سفارش به برگزاری مجالس عزا فرمود. [۲] و مسلمانان نیز برای شهدای صدر اسلام سوگواری کرده و مرثیه خوانی کردند و پیامبرصلی الله علیه وآله نه تنها آنان را از این کار نهی نفرمود، بلکه عمل آنان را تأیید فرمود.به دنبال ارتحال حضرت محمّدصلی الله علیه وآله، صحابه بزرگوار آن حضرت از دوری او به شدت گریستند، و در رثای حضرت سرودهایی انشاء کردند؛ [۳] چنانکه عایشه در مصیبت وفات پیامبرصلی الله علیه وآله بر صورت خود سیلی زد. [۴] و اما از سال ۶۱ هجری که پیشوای آزادگان حضرت اباعبداللّٰه الحسین علیه السلام با یاران و اهل بیت ایثارگرش، در سرزمین کربلا با لب تشنه در کنار فرات با وضعیتی دلخراش و بی سابقه و به گونه ای مظلومانه به شهادت رسید، سوگواری به مدرسه سیار عمومی تبدیل شد تا برای تربیت و احیای امر پیامبر و ائمّه علیهم السلام به صورت الهام درآید و وسیله ای برای روشن شدن حق از باطل و شناخت حسینیان از یزیدیان

باشد.

حکم عزاداری

در خصوص جواز اشک ریختن در غم از دست رفتگان، همه مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند. اما درباره گریه با صدای بلند، شیعه، شافعیان و حنبلیان حکم به جواز کرده اند. [۵] (گرچه در مقام عمل و در مرحله انجام بیشتر اهل سنّت به گریه کردن شیعه خرده می گیرند.)فقیه ماهر، صاحب جواهر در اثر گرانسنگ خود جواهر الکلام می نویسد: بدون شک گریستن بر متوفا به دلیل روایات متعددی که به حد تواتر معنوی رسیده و فتاوای فقها جایز است. و آنگاه به روایات گریستن رسول خداصلی الله علیه وآله بر حمزه سید الشهداء و فرزندش ابراهیم و جز آنان عثمان بن مظعون [و نیز گریه حضرت فاطمه علیها السلام بر پدر بزرگوار و خواهرش رقیه] و گریه ممتد و طولانی امام زین العابدین بر پدر بزگوارش، اشاره می کند و سپس می فرماید: تمام این موارد نشان دهنده این واقعیت است که ندبه و نوحه سرایی برای کسانی که دارای ویژگی های برجسته اند، مانعی ندارد، بلکه مستحب است تا در پرتو مجالس عزا، فضایل و مکارم آنان نشر یابد و دیگران سرمشق و الگو بگیرند.صرف نظر از لزوم یاد ایام اللّه، و لزوم تعظیم شعائر الهی [۶] و لزوم مودت نسبت به اهل بیت علیهم السلام و مواسات با اهل بیت و اخبار و احادیث متعدد و عمل پیامبرصلی الله علیه وآله و رفتار ائمّه معصومین علیهم السلام و سیره مستمر که بر مشروعیت عزاداری در دست است می توان گفت برپایی این گونه مجالس امری عقلایی و در تمام مناطق جهان معمول است که در برابر حوادث شخصی و یا اجتماعی مراسمی تشکیل داده و به سوگ می نشینند.بنابراین عزاداری نه

تنها جایز بلکه با توجه به آثار مترتبه و فوائـد آن امری است رایـج و مورد قبول تمامی خردمندان و اهل دانش می باشد.مؤمنان با شـهادت امام حسـین علیه السـلام عزادار شدند گریستند [۷] مرثیه گفتنـد و به زیـارت مزار شـهیدان شـتافتند. و تا زمانی که اسـلام در صـحنه است و پیـامبر خـاتم پیرو دارد این عزاداری بـاقی خواهـد مانـد، زیرا لازمه محبت بر آل پیامبر و ادای حقوق آنـان، عزاداری است و مراسم سـینه زدن و زنجیر زدن و حرکت دسـته هـای سـینه زنی در خیابـان هـا و بازارها و روشن کردن چراغ ها و بلنـد کردن علم ها و پرچم ها قرن هاست که جریان داشـته است و مورد تأییـد علما و مراجع بزرگ در مقام فتوی و عمـل بـوده است. اگر این مراسم جـایز نبود بزرگـان دین خـاصه آنـان که دارای نفوذ و قـدرت بودنـد از آن نهی می کردنـد. سکوت آن گرامیان و حضورشان در این مراسم، دلیل تأیید آنان است.فقهای اسلام شناس بقای عاشورا را ضامن بقای اسلام و عزت مسلمین می دانستند و لذا توصیه می کردند عاشورا را زنده نگه دارید.

تاریخچه مجالس عزاداری حسینی

از روزگار نخست خلقت آدم علیه السلام تا زمان وقوع حادثه جانگداز کربلا، جریان شهادت سید و سالار شهیدان امام حسین علیه السـلام به طرق مختلف مطرح گردیـده است.برای آن امـام همام، انبیاء و امامان گریسـته و یا متألم شـده انـد و از ضـجیج فرشـتگان و بکـاء آنـان در کتب مشـهور، سـخن به میان آمـده است!صـحابه بزرگوار رسول خداصـلی الله علیه وآله نیز پس از آگاهی از حوادثی که در آینده اتفاق خواهد افتاد برای امام حسـین علیه السـلام گریه کرده اند در حالی که آن بزرگوار هنوز چشم به جهان نگشوده بود.پس

از وقوع حادثه کربلا اولین کسانی که این مصیبت عظما را با چشمانی اشکبار و دلی تافته از غم و حزن گزارش می کردند و بر خرمن هستی هر جنبنده ای آتش می افکندند، حضرت سجادعلیه السلام و عقیله بنی هاشم، زینب کبری علیها السلام و دیگر بازماندگان عاشورا بودند. آنان گاهی در کنار اجساد قطعه قطعه شده شهیدان، زمانی در بازار و کنار دروازه ها، گاهی در مجالس عمومی، زمانی در مسجد و در جمع نمازگزاران و گاهی در حضور حاکمان و فرمانروایان ستمگر و ظالمی همچون عبیدالله بن زیاد به بیان مصائب و ظلمی که بر شهیدان رفته بود مبادرت می ورزیدند.امام زین العابدین علیه السلام پیوسته سوگوار عاشورا بود و در این مصیبت بزرگ مدت سی و پنج سال گریست و اهتمامش بر این بود که واقعه کربلا را در برابر دیدگان مردم مجسم سازد و آن را زنده نگاه دارد.امام باقرعلیه السلام که در واقعه غم انگیز کربلا حضور داشت ذکر مصیبت عاشورا را در صحرای عرفات نیز توصیه می نمود. و امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم هرگاه از مصیبت سیدالشهداءعلیه السلام یاد می کرد، اشک از دیدگانش جاری می شد. ایشان در بیت شریف خود فضا و مقدمات گریستن را مهیا می ساخت. محرم الحرام ماه حزن اهل بیت علیهم السلام بود و در این ایام غم و اندوه بر امام کاظم علیه السلام چیره می شد. امام علی بن موسی الرضاعلیه السلام نیز اهمیت فراوانی به عزاداری امام حسین علیه السلام می داد. قصیده دعبل که در حضور آن جناب در رثای ابا عبدالله علیه السلام خوانده شده بسیار معروف است. و نیز آن امام همام به بازماندگان در شهر مدینه، ادامه این راه را توصیه می نمود. و دیگر امامان

معصوم علیهم السلام هر یک در زمان خود در ترویج این سنّتِ سَنِیّه کوشا بودند و گاه خود از مصائب جدشان یاد کرده، به شدت می گریستند و دیگران را می گریاندند و ابراز احساسات در رابطه با مصائب جانسوز کربلا را از عالی ترین عبادات و ارزش ها می دانستند. اگر حادثه عاشورا یکی از روشن ترین فصول تاریخ شیعه است از این روست که اهل بیت در هر فرصتی به گزارش حادثه پرداخته و جزئیات واقعه را تشریح کرده اند.پس از زمان ائمّه علیهم السلام هادیان امت به تأسی از مقامات عصمت و طهارت این راه را با پیگیری و پایداری پیموده اند و عزاداری امام حسین علیه السلام توسط وارثان مکتب اهل بیت، رونق خود را حفظ کرده است.پیروان صادق آن بزرگواران (خواص شیعیان) و عارفان به مقام امامت نیز با تأسی به انبیاء و اولیاء و تبعیت از رویه مراجع بزرگ تقلید شیعه به این سیره حسنه عمل کرده اند و هرگاه شرایط مهیا شده، آشکارا به عزاداری پرداخته اند.بنا بر گزارشهای تاریخی در عصر مأمون و بعضی دیگر از خلیفگان عباسی که شیعیان آزادی عمل مختصری داشتند به طور آشکار به عزاداری سرور شهیدان می پرداختند. اما بعد از معتصم به دلیل سختگیری حاکمان ستمگر، عزاداری غالباً به صورت مخفی انجام می شد تا در سال ۳۵۲ هجری معزالدوله دیلمی - یکی از سلاطین بزرگ و مقتدر آل بویه - عزاداری روز عاشورا را به طور رسمی در بغداد معمول ساخت. [۸] .و در مصر نیز خلفای فاطمی به عزا و ماتم می پرداختند. [۹] در شهره قاهره که تازه آن را بنا کرده بودند، مانند بغداد، در روز عاشورا دسته عزاداری راه

می افتاد. و از آن زمان به بعد مراسم عزاداری با شدت و ضعف ادامه یافت. تا زمان تیموریان که رونقی جدی گرفت و چنین بود که این حرکت به سایر کشورهای آسیایی نظیر ایران، برخی کشورهای عربی و شمال آفریقا رسوخ کرد و در عصر صفویه رونق کامل یافت. توجه مردم ایران به عزای حسینی زبانزد خاص و عام بوده و هست و ان شاء اللّه تعالی خواهد بود.از برکت خون امام حسین و یاران جان باخته اش امت مسلمان هر سالی پر شورتر از سال قبل، یاد و خاطره سالار شهیدان و فداکاری هایشان را پاس داشته اند. در بلاد شیعه آن اندازه که مجلس تذکر به یاد اولیای الهی، خصوصاً به یاد فداکاری بی نظیر سید الشهداءعلیه السلام تشکیل می شود هیچ مجلسی دینی و سیاسی و ادبی و اجتماعی دیگری منعقد نمی گردد.اهمیت عاشورا به اندازه ای است که نه تنها شیعیان، بلکه بسیاری از اهل سنّت نیز در آن روز عزاداری می کنند [۱۰] زیرا محبت ذوی القربای پیامبرصلی الله علیه وآله تنها اختصاص به شیعیان ندارد. حتی پیروان دیگر ادیان و مذاهب الهی، برای امام حسین علیه السلام و مراسم سوگواری آن حضرت احترام قائلند و وقتی نام مقدسش را می شنوند در خود احساس همبستگی و ارتباط و گاه شیدایی می کنند و در تشکیل مجالس عزا، بویژه در عاشورای حسینی، اهتمام می ورزند و بخشی از ثروت و ساعت ها از وقت خود را به این امر مقدس اختصاص می دهند و در ماه حزن و اندوه آل محمّدصلی الله علیه وآله محزون اند و از مدرسه عشق و ایثار او بهره می برند. گمان نمی کنم کسی در میان مدافعان حق و حقیقت

و شـهدای راه فضـیلت شخصـی نظیر امام حسـین علیه السـلام دیـده باشد که پیروان همه مذاهب این گونه از او یاد کنند. و نیز هیـچ حـادثه ای را در عـالم نمی تـوان نشـان داد کـه چنیـن تـأثیری داشـته باشـد و ملت هـای مختلـف را تحت تـأثیر قرار داده باشـد.حادثه جانگـداز طف چنان اثر عمیقی بر ارکان تشیع گذاشت که اقشار مختلف به فراخور حال و درجه کمال، به ایفای رسالت پرداختند:تاریخ نگاران و نویسندگان متعهد و آگاه در بعد نظری و عملی و جنبه های حماسی قیام عاشورا در حد توان بعدی از ابعاد آن را دیده و کاویده و از آن دریا سـبویی به ارمغان آورده و کتاب ها و رساله های بیشـماری نگاشـته اند. [۱۱] .عاشـقان دلبـاخته نهضت عاشورا مجالس ذکر اهل بیت برپا داشـته، شاعران مکتب آل اللّه با سـروده های آتشـین، ضـمن ابراز سوز و گداز درونی خویش، حماسه و خروش دلاورمردان عرصه طف را به بهترین وجه و مهیج ترین شـکل به تصویر کشـیده اند. اشـعار ارزنده و دلنشـین این قشـر همواره در خاطره ها جاوید و باقی است.واعظان متعظ و ذاکران متعهد با ایراد سـخنرانی های پرشور و حزن انگیز، شـراره های غم و اندوه به خرمن دل های عاشـقان حسینی زده، با تواضع و خاکساری تمام به روضه جانکـاه شـهیدان دشت کربلاـ دست یازیـده، و مرثیه سـرایی نمودنـد و با ذکر مصـیبت های عاشوراییان، و اشک و آه شـیعیان حاضـر در مجلس رنگ و بوی خاصـی به محافل بخشـیدند که هر کـدام در حـد اخلاص خود، مثاب و مأجور خواهند بود.در یک سـخن هیئت های مـذهبی، چنان عظمت و جاذبه ای داشـته که قلوب توده های وسـیعی از علاقه مندان به آن پرکشـیده و خواهد کشید.آری این گونه بود که

یاد محرم ۶۱ ه و حماسه سازان قیام خونین عاشورا پا به پای عصرها و نسل ها در بستر تلاطم تاریخ شکوفا ماند و فراز و نشیب های تاریخی آن را محو نکرده بلکه به عنوان عنصری زنده و پویا و نقطه عطفی درخشان، نقش آفرینی می کند.

اهداف برپایی مراسم

اشاره

این مراسم بـابرکت از دیر بـاز نقشـی فعـال در رشـد باورهای مـذهبی و فضایل و کرامت های انسانی و فراموش نشـدن خاطره سلحشوران عاشورا و شـناساندن مقام پیشوایان بزرگ اسلام و افشاگری جنایت های بیدادگران، ایفا کرده است که ما در اینجا به شماری از آثار و فواید آن اشاره می کنیم!اقامه عزای حسینی بزرگداشت شعائر الهی و نمایش جلوه تام و تمام تولّی و تبرّی است.هدف امامان اهل بیت علیهم السلام از این همه پافشاری بر زنده نگهداشتن نام و یاد و خاطره مقاومت بزرگ حامی حق، امام حسـین علیه السـلام احیای اهداف و مقاصد والای آن حضـرت و ابلاغ مظلومیت آل علی علیه السلام به گوش تاریخ بوده اسـت. و هر جمعیـتی که از فـداکاران و شخصـیت هـای خـدوم خـویش تکریم نکنـد محکـوم به زوال و نـابودی است.این امر عزاداری و مجالس حسـینی به دلیل قالب و محتوای جذابی که دارد، بهترین راه انتقال معارف اسلامی و احکام الهی و صیانت دین از انحراف و از هجوم بی امـان دشـمنان قسم خورده است. که به عنوان یـک حرکت تبلیغی در عرصه های گوناگون، در برابر انـدیشه هـایی که از طریق جریان های لائیک یا از سوی ابزارهای اسـتکبار جهانی رو در روی اسـلام می ایسـتند مقاومت می کنـد.و همین است معنای «إِنَّ الْحُسَـيْنَ مِصْـباحُ الْهُدی وَ سَـفِينَهُ النَّجاهِ» [۱۲] اگر قیام شـکوهمند و خونبار حسـینی نبود، در همان قرن اول خورشید

اسلام افول می کرد، و از شریعت نبوی اثری بر جای نمی ماند.تعبیر بلند پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که فرمود «حسین از من و من از حسینم» [۱۳] تجلی نقش قیام حسینی در بقای اسلام است و جمله ای که می فرماید: «إِنَّ الْإِسْلامَ مُحَمَّدِیُّ الْحُدُوثِ وَ حُسَیْنِیُّ الْبَقاءِ» [۱۴] در همین راستا قرار می گیرد.اگر اسلام در وجود و حدوثش مدیون محمّدصلی الله علیه وآله بود، در تداوم و پایداریش مرهون سالار مدافعان حریم حقیقت، حسین علیه السلام است. پس نباید فراموش کرد که ما هرچه داریم از حسین علیه السلام داریم، زیرا شهادت اوست که تا دامنه قیامت دستورات اسلام را برای ما زنده نگه می دارد.همچنین با تشکیل چنین اجتماعی، روحیه فداکاری و ایثار در اجتماع و حس عدالت خواهی و انتقام جویی از ستمگران زنده نگاه داشته و تقویت می شود و صبر و خویشتنداری در مشکلات و ناهنجاری ها افزون می گردد.و نیز یادآوری نهضت حسینی نیرومندترین انگیزه ها را در جهت توسعه امر به معروف و جلوگیری از زشتی ها ایجاد می کند، و آتش انقلاب های خونین بر علیه ستمگران را برافروخته می سازد.در این گونه مجالس با امامان تجدید بیعت شده و اجر رسالت طاقت فرسای نبوی تا حدودی ادا می گردد، چرا که حضور در این مجالس، تأیید ضمنی افکار و اهداف والای حضرت اباعبداللَّه علیه السلام که همان منویات پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه وآله می باشد، محسوب می گردد.امروزه مجالس امامان اهل بیت علیهم السلام همچون حج ابراهیمی یکی از عوامل مهم اتحاد عاطفی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان است، [۱۵] اتحادی که فراهم ساختن آن با پول و امکانات مادی، دشوار و بلکه نزدیک به محال است.برپایی مجالس عزاداری حسینی به

نمایش گذاردن زیباترین تصاویر از کرامت های انسانی است که با دست توانای ولایت ترسیم شده است.در این مجالس روح و روان انسان با یاد شهیدان آزاده و شنیدن شرح از خود گذشتگی آنها به اهتزاز درمی آید و آسمانی می شود.دوستدار ابا عبداللّه الحسین علیه السلام اگر از معرفت لازم برخوردار باشد، در صدد برمی آید تا حد امکان صفات و سجایای خویش را مانند محبوبش کند، آینه رخسارش شود و روز به روز به شفافیت خویش بیفزاید، تا جمال دلارای محبوب در آن بهتر نمایان گردد. به قول مقام معظم رهبری:حرکت موکب های حسینی در دهه اول ماه محرم به مانند جاری شدن آب باران است که تمام پلیدی ها و تلقینات فاسد دشمنان را از محیط جامعه می زداید و به آن روح تازه ای از عشق و ایمان الهی می دمد.همین اشک ها در مجالس عزا بوده که در طی چند قرن هزاران نفر را به آغوش اسلام ناب محمّدی رهنمون شده است. [۱۶] در پرتو این مجالس که خود از شعائر اسلامی است، بسیاری از شعائر دین احیا می گردد.مردم شهیدپرور ایران شاهد بودند که انقلاب اسلامی ایران از این مجالس و این تاریخ پر عظمت و از عاشوراها و تاسوعاها سرچشمه گرفت. [۱۷] و انقلابیون، از نهضت امام حسین علیه السلام و ماجرای خونین کربلا الهام گرفته در راه پایداری در برابر کفر و ستم را از آن حضرت آموختند.آری بی جهت نبوده که بزرگ مرجع تقلید شعیه در عصر خود مرحوم آیت اللّه العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی – اعلی اللّه مقامه – ثلث مال خود را وقف اقامه مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام نمود تا همه

ساله با نظارت اوصیاء ایشان مصرف شود. [۱۸] .حال که سوگ حسینی، تا این درجه برکت و اهمیت دارد، باید آن را مغتنم شمرد و رسم و رسومش را باشکوه تر و سازنده تر برگزار نمود و همچون گوهری گرانبها از آنها محافظت نمود.فریادهای بعضی از عالمان شیعه مانند: محدث والا مقام میرزا حسین نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان علّامه سید محسن امین در رساله التنزیه لاعمال الشبیه و استاد شهید آیت اللّه مرتضی مطهری در کتاب حماسه حسینی را نباید فراموش کرد که هر یک در اصل ناظر به همین نکته بنیادین است.اگر بعضی مقتل نویسان در مورد برخی بدعت ها و تحریف ها پیرامون عزاداری حضرت ابا عبداللّه الحسین علیه السلام کوتاهی نمی کردند و فقیهان و سخنوران برجسته – کثراللّه امثالهم – مانند گذشته مجالس حسینی را اداره می کردند و روضه خوانی و ذکر مصیبت را با مقام علمی خود در تعارض نمی دیدند و توصیه های راهبردی محدث نوری ها، علّامه بیرجندی ها، محدث قمی ها، شهید مطهری ها و مراجع عظام تقلید [۱۹] مورد توجه قرار می گرفت، و مسیر عزاداری ها به سمتی که معصومین علیهم السلام خواسته بودند، هدایت می شد و مرثیه خوانان به قیمت گرمی یک مجلس، دروغ های سرد به کربلا نمی بستند، و جامعه محترم مداحان نظارت مستمر بر روند اجرای مداحی ها داشتند. و رشد فکری مردم ولایی بدان پایه بود که ضرورت بازنگری در مجالس حسینی را باور می کردند، همه آثار مقدس و مهمی که مورد توجه پیشوایان شیعه در ترغیب به تعزیت و تشویق به سوگواری و تحضیض به عزاداری و تحریص به اقامه مراسم تأبین بوده است، بهره برداری می شد.اکنون نیز می توان با زودن آفات و پالایش و پیراستگی

آن از سنّت های غلط از این گوهر گرانبها محافظت نمود و از قدرت سازندگی بسیار بالای آن برخوردار شد. و تحول بزرگی در برابر کفر و استکبار به وجود آورد.

عوامل مؤثر در جاودانگی، گسترش و تحول مراسم عزاداری

تشویق و ترغیب شاعران آیینی به مرثیه سرایی

نـک: کامل الزیارات، ص ۱۱۴-۱۱۱.امامان معصوم - که درود خـدا بر آنان بود - هنگامی که شاعران متعهـد و مرثیه سـرایان خاندان پیامبرصـلی الله علیه وآله به حضورشان شرفیاب می شدند آنان را مورد تشویق و دلجویی قرار می دادند و از ایشان می خواسـتند سـروده های خود را در رثای سـید الشهداءعلیه السلام در حضورشان بخوانند. [۲۰] .زید شـحام گوید: با گروهی در حضور امام صادق علیه السـلام بودم که جعفر بن عفان طائی (م: ۱۵ ه. ق) از مرثیه سرایان بنام شیعی وارد شد. حضرت احترام شایانی کرده او را نزد خویش نشاند و فرمود: شـنیده ام در رثای حضـرت حسـین علیه السـلام اشـعار شایسته ای سورده ای، آیا درست است؟او گفت: آری.فرمود: بخوان.او اشـعار خود را قرائت کرد و امام علیه السلام و حاضران متأثر شده، گریه کردند و قطرات اشـک از گونه هـای امـام سـرازیر شـده آنگـاه فرمود: ای جعفر، سوگنـد به خـدا، فرشـتگان مقرب الهی در این مجلس حاضـر شدند و سروده تو را در مورد حسین علیه السلام شنیدند. آنان بیش از ما گریستند. خداوند در این زمان بهشت را بر تو واجب سـاخت و تو را آمرزیـد. و در پایـان فرمود: هر که شـعری در مرثیه حسـین علیه السـلام بسـراید و گریه کنـد و بگریـاند خداوند بهشت را بر سراینده واجب کرده او را می آمرزد. [۲۱] .شایان ذکر آنکه گاهی خود امامان اهل بیت مرثیه های بلند و شیوایی انشاء می کردند. [۲۲] و گاه علاوه بر بزرگداشت معنوی شاعران، با

دادن صله، آنان را تشویق و تکریم می کردند.یا عطایای امام باقرعلیه السلام به کمیت، و هدایای امام صادق علیه السلام به اشجع سلمی و تشکرش از سید حمیری و همچنین صله دادن امام هشتم علیه السلام به دعبل خزاعی و ابراهیم بن عباس همه و همه حاکی از این حقیقت است و نشان می دهد که برپایی مراسم ماتم داری برای شهیدان کربلا در سیره آن بزرگان اهمیت وافری داشته است.این اهتمام ها و تشویق ها سبب شد که رخداد بی بدیل کربلا همواره زنده و پویا بماند و نام نامی سیدالشهداءعلیه السلام شعار بنیادین انقلابیون علیه ظلم گردد و به تعداد شاعران متعهد و انقلابی روز به روز اضافه گردد.هدایایی که امام سجادعلیه السلام به فرزدق داد و دعایی که در حق کمیت اسدی کرد.

گریستن و گریانیدن

اشک و ندبه مثبت در مصیبت سیدالشهداء و [۲۳] برادران و یارانش شیوه دیگری است که کارایی بسزایی در جاودانگی نهضت حسینی داشته و مورد تأکید عترت طاهره بوده است. آن بزرگواران در سوگ امام شهیدان و اصحابش هم خود اشک ریخته و گریه می کردند [۲۴] و هم دیگران را بر گریه و ندبه و تباکی [۲۵] تشویق می کردند. زیرا در بسیاری از روایات به طرق مختلف به گریستن و گریاندن توصیه شده است. از جمله امام علی بن موسی الرضا – علیه آلاف التحیه و الثنا – به ریان بن شبیب (دایی معتصم) فرمود: اگر می خواهی بر چیزی بگریی، بر حسین بن علی علیه السلام مویه کن چرا که سر آن بزرگوار از بدن جدا شد. [۲۶] .این گونه احادیث انگیزه ای قوی برای شیفتگان امام حسین علیه السلام ایجاد

نمود تا خود را از این بارش مغفرت و ریزش رحمت رحمانی محروم نسازنـد.اگر این گریه ها و یادها نبود، چه بسا حادثه نینوا از خاطره ها محو می شد و یا از طراوت و نشاط می افتاد. و کسـی امروز امام حسـین علیه السـلام را نمی شـناخت و راه حسین گم شده بود.

توصیه و ترغیب به زیارت سرزمین کربلا و سالار شهیدان

از شـیوهایی که مرزبان آیین برای ماندگاری حماسه عاشورا به کار گرفتند، توجه فراوان به زیارت امام حسین علیه السلام بود. به طوری که حجم قابل توجهی از روایات کتاب پرارج کامل الزیارات، و کتاب های مزار به عبارت های مختلف این مطلب را می رسانـد. در اعیـاد، در ایـام عزا، در شب هـای قـدر و ایـام و لیـالی مخصوص عبـادت و شب هـا و روزهای جمعه به زیارت سیدالشـهداءعلیه السـلام توصیه شده و برای آن ثواب های بی حدی ذکر نموده اند. در سایه توصیه و ترغیب و تشویق عاشقان برای زیارت، خاطره عاشورا و فداکاری های حسین علیه السلام و یارانش زنده نگاه داشته شده است. [۲۷] .

ارج نهادن به خاک کربلا و سجده نمودن بر تربت آن حضرت

از شـیوه های دیگر ائمّه علیهم السـلام برای احیای حماسه حسـینی، نگاهداری تربت و توصـیه به سـجده بر خاک آسمانی سید الشـهداءعلیه السـلام است که در آن نشانه های توحید و عشق و ایثار در راه معبود وجود دارد و نماز گزار را در حال سجده به یـاد ارواح پـاک و طیب و طـاهری می انـدازد که جـان هـای خـود را در راه محبوب نثـار کرده انـد که دل و روح انسـان را با فرهنـگ عاشورا آشـنا و مأنوس می کنـد. این چنین الگوها اثر تربیتی و معنوی عجیبی در جان و روان انسان خواهـد گـذاشت. [۲۸] .

تشویق به برگزاری مجالس ذکر مصیبت و تبیین اهداف نهضت حسینی

نک: اقناع اللائم علی اقامه المآتم؛ احسن الجزاء فی اقامه العزاء، علی سـید الشهداءعلیه السلام؛ تاریخ النیاحه علی الامام الشهید حسـین بن علی؛ سـیرتنا و سـنتنا؛ مجالس الفاخره فی مأتم العتره الطاهره.امامان شـیعه علاوه بر آنکه خاطره عاشورا را زنده نگه می داشتند [۲۹] همواره پیروان خود را ترغیب به این مهم می کردنـد که هر سـاله بـا سوز و گـداز و همراه بـا گریه و زاری به عزاداری بپردازنـد.عالمان دین نیز بـا پیروی از شـیوه رفتـاری پیشوایـان معصـوم در گسـترش این فرهنـگ کوشـیدند و همـواره شیعیان را بر ادامه این امر مقدس توصـیه می فرمودند.عوامل یادشده سنتی را پایه گذاری کرد که برای همیشه نام و یاد حماسه آفرینان عاشورا در خاطره ها زنده ماند و به الگویی جاودانه تبدیل شد و مردم به وظایف خود در برابر طاغوت های زمان آشنا شدنـد و دریافتنـد که: بـا شـعار «یـا مظلوم» می توان هر ظـالمی را رسوا کرد.و بـدین گونه حـادثه کربلاـ بـا عمق جان و دل با باورهای اعتقادی، اجتماعی انسانی مردم گره خورد و نفرتی عمیق و

دائمی از ستمگران در دل ها کاشت و دین اسلام را شاداب و خرم نگاه داشت. و مجالس حسینی آثار و برکات فراوانی داشت. بی جهت نیست (مارتین) نویسنده آلمانی، منبرهای حسینی را - در صورتی که خوب تنظیم و از آنها استفاده شود - از مهم ترین عوامل پیشرفت مسلمین می داند.سوگمندانه امروز عاشورا با همه اهمیت و جایگاه مهمی که در فرهنگ اسلامی دارد عمق و محتوایش را از دست داده و پیام اصلی آن (ظلم ستیزی و عدالت جویی) فراموش گشته است. برای همین «مسائل عاشورا» جای خود را به «مصائب عاشورا» داده و بعد عاطفی غالب و بعد معرفتی آن فراموش شده، و مرثیه ها نیز بعضاً بی محتوا و سبک گشته و هماهنگی کامل با فکر و اندیشه امام حسین علیه السلام و قیام او ندارد و پیام عاشورا در آنها کم رنگ است و یا اصلاً مشهود نیست. و آنچه در غالب مجالس سوگواری مشاهده می شود، اصوات موزون مداحان و لوازمات جانبی آن است که از سوی مستمعان ایجاد می گردد. اگر شیعیان به محتوای قیام و پیام ها و درس های آن نیز توجه می کردند و از آن به خوبی الگو می گرفتند، جامعه ولایی آنان جزو پیشرفته ترین جوامع بود.افسوس که با راه رفتن آفات به عزاداری بهره در خوری از آن نصیب تشیع نمی شود. [۳۰] برای اینکه عزاداری ها رشد و بالندگی افزون تری پیدا کند ضروری است عزاداری ها در پرتو رهنمودهای مراجع بزرگوار تقلید و روحانیت متعهد و متخصص و آگاه با آفاتی که رهاورد عاشورا را تهدید می کند، مبارزه شود و به آن محتوای سازنده داده شود. و ارکان تشکیل دهنده این مجالس با مسؤولیت های خویش آشنا شوند و به

اندازه توان، نقش خویش را ایفا کنند.

وظایف شیعیان

امت اسلامی نسبت به عاشورا مدیون است و ادای دین، مسؤولیت هایی را ایجاب می کند. گذشتگان از شیعیان و علویان در عصر و زمان خود مسؤولیت هایی داشتند که آن را انجام دادند و اینک زمان و فرصتی دیگر و مسؤولیتی دیگر برای حاضران است که برای گرامیداشت عاشورا و یاد شهیدان و بیان هدف و معرفی آرمان شهیدان از جان بکوشند. مسؤولیت و تکلیف شیعیان در قبال عاشورای حسینی به قرار زیر است:۱. شکرگزاری بر نعمت ولایت و تربیت بر طریق مکتب اهل بیت علیهم السلام و بر توفیق شرکت و درک مجالس اهل بیت علیهم السلام و درخواست دوام آن.۲. قدرشناسی و دعا به والدین و مربیانی که آنان را با مجالس حسینی مأنوس کردند و یادکرد کسانی که مجالس حسینی را به پاد داشتند.۳. قدر مسلم پیروان راستین امام حسین علیه السلام - اگر متعهد باشند - خود را موظف به شناخت کامل از فلسفه قیام حضرت می دانند و در رساندن پیام های عاشورا ساعی و کوشا هستند و در این راستا برای خنثی کردن دسیسه عاشوراستیزان از هیچ گونه اقدام مالی و جانی دریغ نمی ورزند و تا مرز ایثار پیش می روند.۴. هم و حزن قلبی که اولین مرتبه عزاداری است. به این معنا که عزاداران امام حسین علیه السلام مصیبت اهل بیتش را به مراتب بزرگ تر از مصائب خود و خانواده اش به حساب آورند.۵. عزاداری و ابراز حزن و اندوه در ایام حزن آل محمّد که مرتبه دوم عزاداری است.ریان بن شبیب گوید: در نخستین روز ماه محرم به محضر امام هشتم رسیدم به من فرمود: «یَابْنَ شَبیب، إِنْ سَرَّکَ أَنْ

تَکونَ مَعَنا فِی الدَّرَجاتِ الْعَلی مِنَ الْجَنّاتِ فَاحْزُنْ لِحُزْنَنا وَ افْرَحْ لِفَرَحِنا وَ عَلَیْکَ بِولایَتِنا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا تَولّی حَجَراً لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ. [۳۱] پسر شبیب، اگر دوست داری با ما در درجات عالی بهشت باشی، در حزن و اندوه ما اندوهگین و در شادی ما شادمان باش و محبت و دوستی ما پیشه کن که اگر انسان در این جهان سنگی را دوست داشته باشد، خدای متعال او را در روز قیامت با همان محشور می کند».۶. سیاه پوشیدن و سیاه پوش کردن در و دیوار منازل، حسینیه ها، تکیه ها و مجالس عزاداری که نشانه حزن و اندوه و کاشف از جوش عشق و علاقه شیعیان به مقام ولایت است.۷. تشکیل مجالس عزا و شرکت در محافل سوگواری به منظور رونق بخشیدن به مجلس و آشنایی به وظایف و احکام شرعی و شناخت راه و روش سرور آزادگان.۸. دیگران را نیز به برگزاری مجالس هفتگی، ماهانه تشویق کند زیرا افراد هر چند متدین نباشند، در جلسات خانوادگی شرکت می کنند. در حدیث است که امام صادق علیه السلام با لحنی تشویق گونه خطاب به فضیل بن یسار می فرماید: آیا مجلس تشکیل می دهید و با هم درباره ما سخن می گویید؟فضیل می گوید: آری. حضرت می فرماید: من مجالسی را که در آن از ما یاد شود دوست دارم پس یاد ما را زنده بدارید. [۳۲] .۹. بهره برداری بهینه از مجالس با رعایت حریم و حقوق دیگران با خودداری از آزار و در تنگنا قرار دادن دیگران. در قرآن می خوانیم: «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ إِذَا قِیلَ لَکُمْ تَفَسَّحُواْ فِی الْمَجَلِسِ فَافْسَحُوا...». [۳۳] .۱۰. حزن و گریه به هنگام

ذکر مصیبت کـه جزو برتریـن اعمـال در عزاداری و دژ محـافظی در برابر سـختی هـای روز قیـامت است.۱۱. بـا کمال ادب و فروتنی در مجالس حاضـر شدن و خدای بزرگ را ناظر بر خود دانسـتن.۱۲. شـرکت در مجالسی که خطبای صالح و مصلحت انـدیش و محقق دارد تـا از وقتی که در اختیار می گـذارد بهترین اسـتفاده را ببرد.۱۳. تـوجه اساسـی به عمق مجلس و پرهیز از رغبت به مجـالس و مـداحی های پرهیاهو و بی محتوا یا کم محتوا.۱۴. سـلام کردن بر سـلاله نور و حماسه ساز اعصار و قرون مـولی الکـونین، حضـرت ابـا عبـداللّه الحسـین علیـه السـلام در هر روز که از بزرگ ترین توفیـق هـا و ارزشـمندترین نعمت ها است.۱۵. اعلام تنفر و دوری از دشمنان و پلیدانی که زمینه قتل ائمّه علیهم السلام را آماده کردند و کشندگان و ظلم کنندگان به اهـل بیت عصـمت و طهـارت که آثار مثبت بسـیاری دارد.۱۶. تسـلیت گویی به امام عصـرعلیه السـلام و به یکـدیگر در ایام عزاداری خصوصاً عزای سیدالشـهداءعلیه السـلام طبق نقلی از امام باقرعلیه السـلام این گونه بگویـد: «خداونـد، پاداش ما را در مصـیبت ما نسـبت به حسـین علیه السلام افزون بدارد و ما و شما را از خونخواهان او قرار دهد، در رکاب ولی خود، مهدی آل محمّد». [۳۴] .۱۷. پرهیز از هر رفتاری که خارج از ضوابط اسلامی باشد.۱۸. بهره برداری بهینه از این گونه مجالس در راستای افزایش سطح آگاهی دینی و در میان گذاردن مسائل شرعی، سؤالات اعتمادی، اخلاقی و... با سخنرانان مجلس.۱۹. شناخت و مبارزه فرهنگی با آفات عزاداری با توجه به رهنمودهای مراجع تقلیـد.۲۰. اقامه امر به معروف و نهی از منکر.اگر حاضـران در مجلس شاهد منکری در عزاداری بودند (مانند

غناخوانی مداح، به کار بردن آلات لهو و لعب) نبایستی از وظیفه امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنند و اجازه دهند در چنین مجالس مقدسی کار منکر انجام شود. تا همچون کسانی که پیشتر به خاطر کوتاهی در انجام این مسؤولیت مورد نفرین قرار گرفتند، مورد نفرین واقع نشوند «لُعِنَ الَّذِینَ کَفَرُواْ مِن م بَنِی إِسْ‍رَ ءِیلَ عَلَی لِسَانِ دَاوُودَ وَعِیسَ‍ی ابْنِ مَرْیَمَ ذَ لِکَ بِمَا عَصَواْ وَّکَانُواْ یَعْتَ‍دُونَ، کَانُواْ لَا یَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنکَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا کَانُواْ یَفْعَلُونَ». [۳۵] .۲۱. احترام به خادمان و ذاکران و روحانیون و کلیه کسانی که منتسب به هیئت حسینی هستند و حسین علیه السلام را دوست دارند زیرا محب حسین علیه السلام محبوب خدای بزرگ است.۲۲. یاری رساندن به گرداننده و یا گردانندگان اصلی آن و بانوان برای پذیرایی از بانوان داوطلب همکاری شوند.۲۳. قدردانی و تشکر از برپا دارندگان و دست اندرکاران مجلس.۲۴. در صورتی که هیئت در منزل برگزار می شود پس از صرف غذا زودتر پراکنده شوید و مشکل برای بانیان فراهم نیاورید.۲۵. دست کشیدن از کار در عاشورا برای برپا داشتن آیین عزاداری، زیرا امام رضاعلیه السلام فرمود: آن کس که روز عاشورا کارهای خویش را تعطیل کند، خدا حوائج دنیا و آخرتش را برآورد. [۳۶] .۲۶. قدردانی محترمانه از ذاکران و روحانیون، دانشمندان و پاسداران فرهنگ عاشورا.۲۷. مواظبت بیشتر درباره امور شرعی پس از خروج از مجالس حسینی.۲۸. شرکت فعال در ساختن حسینیه ها و تکیه های مذهبی که گامی است در جهت گسترش آیین عزاداری.

وظایف بنیانگذاران و گردانندگان

اشاره

برگزارکننده مجالس اهل بیت که بخشی از عمر خود را وقف خدمت به اهل بیت نموده و در این

راه از استعدادها، توانایی ها و امکانات خود حداکثر استفاده را کرده اند و در این راه از بذل مال و صرف عمر و تحمل رنج و زحمت دریغ نمی ورزند - در صورتی که با رعایت ملاک ها و موازین شرعی باشد در زمره رواج دهندگان خیر و مسببان تبلیغ دین و احیای امر اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله هستند و علاوه بر پاداش عمل خود، در ثواب دیگران نیز شریک اند، مشروط بر آنکه مجالس خود را برپایه شناخت عمیق و صحیح برپا نمایند و با رعایت شرایط و آداب به انجام این کار دقیق و ظریف بپردازند. زیرا اگر بانیان و عوامل اجرایی، جاهل به هدف عزاداری و ظرافت های مخصوص آن باشند، و رعایت حدود را نکنند نمی توانند نتیجه در خوری از مجالس خود بگیرند. و یکی از دلایل مهمی که فرهنگ عاشورا به طور کامل نتوانسته است نقش خود را ایفا کند و آموزه های اصلاحی و احیاگرانه قیام عاشورا را بازتاب دهد، همین موضوع است.پس این عزیزان به منظور بالاـ بردن میزان اثر بخشی مجالس و بهره وری بیشتر از نعمت عزاداری بایستی امور زیر را رعایت کنند:۱. رعایت اخلاـص در عمل پرهیز جدی از ریا و خودنمایی - که آفت هر عمل عبادی است زیرا عزاداری از مصادیق عبادت است و قوام عبادت به خلوص نیت است. [۳۷] و بدون نیت خالصانه این فعالیت ها ثمر چندانی برای انجام دهندگان آنها نخواهد داشت.۲. اموالی هزینه کنند که حقوق شرعی آن - مثل خمس و زکات - ادا شده باشد.۳. اگر از هدایای دیگران استفاده می کنند توجه و عنایت به حلیت آن داشته باشند.۴. تلاش

کنند عمل خود را از هر جهت صحیح انجام دهند و بیش از آنکه به زرق و برق و تدارکات مادی مجالس و جنبه های ظاهری آن بیندیشند به محتوا و کیفیت آن فکر کنند و معناگرایی را بر شکل گرایی برتری دهند و در انتخاب سخنران شایسته و ذاکران نکونام دقت داشته و با عالمان وارسته حوزوی مشورت کنند تا ضایع کننده اوقات و نیروهای مالی و انسانی نشوند و به اجرای تشریفات خشک و کم اثر و یا مجالس دور از آگاهی دل خوش ندارند. و از گویندگانی دعوت کنند که برخوردار از مراتب علم و فضل و پارسایی و پایبند به اصول اخلاقی باشند و بتوانند معارف و احکام اسلام و اهداف والای حسینی را به درستی تبیین کند.کاملی باید در این راه شگرف تا کند غواصی این بحر ژرفباید به این نکته توجه کرد که هر کس با حفظ چند قطعه شعر و چند حکایت و برخورداری از صدای خوب و اندکی هم قدرت لفاظی که نام مداح بر خود نهاد، مداح نیست.نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داندهزار نکته باریک تر زمو اینجاست نه هر که سر بتراشد، قلندری داند!پس باید از نوحه خوان های امام شناس، خوش نام، متدین، متعهد، معروف به تقوا و راستگویی و امانتداری - که به فضل خدا بسیار داریم - دعوت کنند تا از مجلس بهترین استفاده به عمل آید. عارف واصل، عالم ربانی آیت اللّه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی - که رضوان خدا بر او باد - در این باره می فرماید: کسی را برای خواندن مصیبت دعوت کنند که باتقوا

و در خواندن مصیبت راستگو باشد.برای اینکه عزاداران محترم با فلسفه قیام و شهادت و اهداف والا و مقدس پیشوای شهیدان بیشتر آشنا شوند بهتر است تمام تلاش و کوشش بر این مطلب استوار باشد که مداحان عزیز مانند گذشته با پیشخانی، مجلس را برای سخنران مجلس آماده کنند و بیشترین وقت در اختیار منبری باشد. بویژه در هنگامه فتنه ها و به هنگام مشوش شدن افکار و باورهای مردم، برخورد عاطفی صرف با مقوله عزاداری و خالی از محتوا کردن مجالس مذهبی و مداح سالاری و در حاشیه قرار دادن منبر و وعظ و فرعی شدن مسائل اصلی که امروزه رایج شده است نه تنها مردم را در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می دهد، و اعتقاد و باور آنها را نیز بسیار شکننده و آسیب پذیر می سازد، بلکه جدی ترین عامل ورود آفت های بسیار در بنیاد و بنیان فرهنگ عاشورا و تجلی اسلام منهای روحانیت است که بزرگ ترین ضربه را به اسلام وارد می نماید. و مسلماً صاحب شریعت و حضرت امام حسین علیه السلام بدان راضی نیستند. زیرا بی توجهی به شرح و بسط ماجرای کربلا و اهداف سازنده آن، زمانی پیش می آورد که خدای ناخواسته اهداف آن نادیده گرفته شود و حتی اصل حادثه نیز مورد انکار قرار گیرد. و نیز رویکرد به دین بدون تفقه، موجب آسیب دیدگی دین و دینداری می شود. بنابراین اگر بانی محترم می خواهد که مردم «اسلام خواه» ما «اسلام دان» هم بشوند و بذرهای دین گریزی و احیاناً دین ستیزی از مغرب زمین در جوامع ولایی پاشیده نشود باید با هوشیاری از منبر حسینی استقبال بکند.۵. تأمین و اعطای هدایای سخنرانان و ستایشگران

آل محمّد به نحو شایسته آن هم به صورت مخفیانه به منظور پاسداشت بیشتر عزت و مقام رفیع آنان.۶. برخورد یکسان با شرکت کنندگان مگر نسبت به افراد خاصی که از احترام بیشتری برخوردارند، از جمله پیش کسوتان هیئت های عزاداری و صاحبان فضل و کمال.۷. پرهیز از منکرات در عزاداری.فقیه نامی میرزای نایینی (قده) در پاسخ به استفتای اهالی بصره و اطراف آن در خصوص حرکت دسته جات عزاداری مرقوم داشته اند:راه افتادن دسته های عزاداری در دهه عاشورا و روزهای مانند آن در کوچه ها و خیابان ها، از آشکارترین مصادیق عزاداری و رسانیدن پیام حسینی به دور و نزدیک است و اشکالی ندارد. در عین حال لازم است، این شعار بزرگ را از هر کار ناپسند که شایسته برای چنین عبادتی نیست، پیراست. از خوانندگی حرام و به کارگیری ابزار لهو و رقابت دسته جات در جلو و عقب افتادن از یکدیگر باید پرهیز شود. اگر این قبیل اتفاقات و کارهای ناپسند رخ دهد، حرام است، هر چند حرام بودن آن به حرکت دسته برای عزاداری سرایت نمی کند [۳۸] همچون نگاه کردن به زن نامحرم در حال نماز است که خود عملی حرام است ولی نماز را باطل نمی کند. [۳۹] .۸. برگزاری مجالس در ساعت مقرر و مناسب و پرهیز از طولانی کردن آنها و سلب آسایش همسایگان. برای توفیق در این امر به سخنران و مداح تأکید نمایند در صورت امکان سر وقت در جلسه حضور یابند.۹. میانه روی و اعتدال. رعایت اصل اعتدال، از جمله مسائلی است که هیئت داران باید سرلوحه کار خود قرار دهند.۱۰. دوری جستن از مزاحمت و ایجاد صداهای گوشخراش.۱۱. رعایت نکات بهداشتی در

آشپزخانه، و پاک کردن خون حیواناتی که جلوی دسته ها سر می برند.۱۲. چون برپایی عزای حسینی اعلان انتظار ظهور منتقم الهی است از خدای بزرگ بخواهد همراهی با امام عصر(عج) در طلب خون سیدالشهداءعلیه السلام را روزی او گرداند.أَسْئَلُ اللَّهَ أَنْ یَرْزُقَنِی طَلَبَ ثارِکُمْ مَعَ اِمامٍ مَنْصور ظاهِرٍ ناطِقٍ مِنْکُمْ. [۴۰] .۱۳. سیاه پوش کردن بخشی از محیط برای نشان دادن شدت مصیبت و غم و اندوه و استفاده از تبلیغات نمادین در بخش های دیگر. و نصب اشعار محتشم کاشانی و اشعار دعبل خزاعی (اَفاطِمُ قَوْمی یا ابْنَهَ الْخَیْرِ فَانْدُبِی)۱۴. بهره گیری از تراکت در مسیر رفت و آمد به مجلس.۱۵. نصب تراکت [۴۱] سلام بر حسین علیه السلام در آبخوری مجلس و الصاق عکس حرم مطهر امام حسین علیه السلام و پرهیز از الصاق عکس های دروغین که به نام امام حسین علیه السلام و قمر بنی هاشم علیه السلام در بازار عرضه می شود.۱۶. استفاده از پارچه نوشته هایی با خط زیبا که نام شهدای سرافراز کربلا در آن آمده است.۱۷. اهداء کتاب های مفید به عزاداران در یکی از شب ها.۱۸. جدا کردن در ورودی خانم ها و آقایان و محل استقرار آنان.۱۹. توجه به دیدگاه و نظرات مراجع تقلید. اینها بخشی از انتظاراتی است که هر فرد دلسوخته و علاقه مندان به مجالس حسینی در این ایام از اداره کنندگان مجالس مذهبی دارد.از بانیان محترم استدعا دارم که در ضرورت امور فوق حقیقتاً بیندیشند و در جهت تحقق آنها تلاش نمایند.

وظایف اهل منبر

اشاره

قیام عاشورا، و مجالس و محافلی که مورد توجه وجود مقدس بقیه اللّه الاعظم حضرت مهدی (عج) هستند، همچون سلاحی نیرومند و کارآمد در دست عالمان دینی و گویندگان مذهبی و ذاکران

حسینی است. نقش اینان که در راه حفظ این گوهر گرانبها و گسترش آن تلاش و ایثار می نمایند، همچون نقش انبیاء [۴۲] در ابلاغ پیام الهی خویش رقم زده شده است. لذا رسالت این فرزانگان در جامعه ولایی بهره برداری مناسب از عاشورا به تناسب زمان و مکان است.بقاء دین در طول تاریخ و درخشان ماندن چهره آن عمدتاً مدیون روشنگری و تحریف زدایی همین گروه است.این همه آثار نیک از بناهای خیر عام المنفعه، مانند بیمارستان ها، پل ها، آب انبارها... و موقوفات برای نگهداری ایتام و اطعام بی نوایان و بسیاری از کارهای خیر دیگر، نتیجه بهره برداری صحیح روحانیون حقیقی از مجالس حسینی است. امروز نیز آن گرامیان باید ضمن معرفی رهبران دین و عرضه معارف اسلام و استفاده شایسته از عواطف پاک مردم و جهت دادن به آنها در مسیر تقوا، به حفظ و انتقال روحیه جهادگری و «فرهنگ شهادت طلبی» از طریق یاد شهدای کربلا بپردازند و مردم را به طاعت خدای رئوف و مهربان ترغیب و از معصیت دور نمایند. و معلوم است که گذاردن وظیفه ای چنین سنگین و خطیر، جز از بزرگمندان دین شناس و تقواپیشه برنمی آید.

صلاحیت های علمی و عملی

تبلیغ دین علاوه بر ایمان و باور درونی دعوتگر، نیازمند تفقه (فهم عمیق) در دین و مجهز شدن به علوم و دانش هایی است که به نوعی شناسایی و شناساندن آن به دیگران با بهترین شیوه و نیکوترین روش دخیل است. در واقع بدون تردید علم و دانش مهم ترین سرمایه مبلغ و بی مایگی در علوم دینی مشکل ساز است. و اگر مبلغی استاد ندیده باشد و مطالعه مستمر نداشته باشد نمی تواند معارف ژرف و در عین حال بلند قرآن و

اهـل بیت علیهم السـلام را به خوبی درک کنـد و کسـی که خود مطلبی را به خوبی درک نکرده، قادر نیست آن را درست به دیگران تفهیم نمایـد. به تعبیر شـاعر:ذات نایافته از هستی بخش کی توانـد که شود هستی بخشخشک ابری که بود ز آب تهی نایـد از وی صـفت آب دهیبنـابراین پیش از کسب مهـارت هـای لاـزم و فراگیری فن خطـابه و سـخنوری همـان به که از قبول سخنرانی خودداری نمایند. به قول مولوی:مدتی می بایدت لب دوختن وز سـخندانان سـخن آموختنتا نیاموزد نگوید صد یکی ور بگوید، حشو گوید بیشکی

آگاهی از موضوع

آگـاهی و تسـلط کافی به موضوع سـخنرانی و ابعاد و اطراف آن توان بازپروری داده های تاریخی. بنابراین مطلبی را که علم و آگاهی کامل بدان ندارد، نباید تبلیغ کند. چه، اگر مطلبی را ندانسـته و درک نکرده بیان کند، کارش جز ضـربه زدن به اسلام چیز دیگری نیست، چنـان که قرآن می فرمایـد: «وَ لَما تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ ی عِلْمٌ»؛ [۴۳] آنچه را که بـدان علم نداری پیروی مکن. تحکیم منطق تبلیغ براساس حکمت و موعظه و گفتگوهای آرام.

برخورداری از کردار نیک و اخلاق رفیع اسلامی

مبلّغ اسـلامی بایـد خود را به ادب نفس بیارایـد و در امر تزکیه و تهـذیب نفس کوشـیده و مراحل مختلف صـعود به قله تقوا و خویشتنداری را طی کرده باشد تا از کارایی لازم برخوردار بوده و بتواند در زمینه فراخوانی مردم به راه خدا و برخورد با انسان هایی که از روحیه های متفاوتی برخوردارند، موفقیت و پیروزی به دست آورد. مبلّغان بزرگ، به وسیله اخلاق بلند پسندیده و انـدرون تهی از رزایل و مالامال از فضائل اخلاقی، توانسـتند به موفقیت های بزرگ نایل شوند.مهم ترین اخلاق و صـفاتی که یک مبلغ باید به آنها آراسـته باشد عبارتند از: خوش خویی، مهربانی، فروتنی، نرمخویی، بردباری، شـهامت حق گویی، عفت، عزت نفس و صداقت، روشنی و وسعت اندیشه، قدرت استدلال، رعایت نظم مطالب، گیرایی بیان.

محبوبیت

مبلّغی که در دل هـا نفوذ کرده و از محبوبیت والا در جامعه برخوردار است حرفش بیشتر موثر واقع می شود، پس هر کس می خواهـد با سـخنوری مسؤولیت الهی خود را انجام دهد و می خواهد از سـخنرانی های خود نتایج مثبت و سودمندی بگیرد باید چنان زنـدگی کنـد که در بین مردم محبوب باشـد. عوامل محبوبیت به طور فهرست وار عبارتنـد از: خودشناسـی و خودسازی، ساده زیسـتن، خدمت به مردم، تواضع به جا و نرمخویی، دفاع از سـتمدیدگان، عمل به گفته ها، و کرامت و عزت نفس، جلب رضایت حق، اسـتقامت، داشـتن شـرح صدر، برخورداری از حیا و عفت، داشـتن مطالعه در زمینه های مختلف؛ صراحت لهجه، واقع بینی و حقیقت گرایی، مقدم داشتن منافع ملی و مصالح میهنی بر اغراض و منافع شخصی، بی طمعی.

تطابق کردار و گفتار

حاملان پرچم رسالت آسمانی باید خود پایبند گفته ها و الگویی از موعظه خویش باشند. این حقیقی است که مردم همواره از واعظان انتظار دارنـد، خود پایبنـد گفته هایشان باشـند و آنچه را می گوینـد، به کار بندنـد و از آنچه باز می دارند، باز ایسـتند

[۴۴] .در این صورت است که می توانند به ژرفای وجود مخاطبان راه یابند.دل و زبان چو یکی شد سـخن بلند شود به هیچ جا نرسد طائری که یک بال استاگر گوینده ای بد عمل کند و یا خلاف آنچه به آن دعوت کرده رفتار نماید، سخت ترین آسیب هـا به دین و دینـداری وارد می شود! و اضـافه بر این اگر نـاطقی اخلاق و ملکات خویش را اصـلاح نکرد و از فضایل اخلاقی برخوردار نبود سـخنانش در دیگران اثر قابل توجهی نگذاشته و مجالس او ارزش خود را از دست خواهد داد و بجای هدایت، ضلالت آور خواهد شد. اگر

قرار باشد که شخصی چیزی بگوید و خود بدان عمل نکند، علاوه بر تمام آثار سوء این کار، گناه بزرگی مرتکب شده و لااقل اثر آن این است که نوعی بدبینی نسبت به اسلام و تبلیغ کنندگان آن در میان مردم به وجود می آورد و مشمول این عتاب الهی خواهد بود که: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ» [۴۵] آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خویشتن را فراموش می کنید؟

راستی و راستگویی

سفارش امام علی علیه السلام در این باره اساسی و کلیدی است: صدق و راستگویی یکی از فضائل اخلاقی است که برای همه خاصه گویندگان و مداحان، - که مردم آنها را به خیر و صلاح می شناسند - واجب و لازم است. زیرا بنیان فرهنگ عاشورایی امام حسین علیه السلام بر صداقت، راستی و درستی استوار است و دروغ و جمل، دقیقاً در مقابل این فرهنگ قرار دارد.قرآن در مقام ستودن اوصاف پیامبران، بر راستگویی آنان تکیه کرده است. [۴۶] و از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ یَبْعَثْ نَبِیًّا إِلّا بِصِدْقِ الْحَدیثِ وَ أَداءِ الأَمانَةِ اِلَی الْبَرِّ وَ الْفاجِرِ؛ [۴۷] همانا خدای باعزت و جلال هیچ پیغمبری را مبعوث به رسالت نفرمود مگر با دستور به راستگویی و برگرداندن امانت گذاران، چه نیک و چه بد».واعظان و ذاکران باید از خواندن روضه ها و اشعار دروغین به انگیزه گریاندن مستمعان بپرهیزند. اگر در مجالس ذکر و مرثیه، دروغ رایج گردد، شنوندگان به تدریج ایمان و اعتماد خود را به اشعار و روضه ها از دست خواهند داد.از سوی دیگر ناطق و مداحی که هنجارهای شرعی را رعایت نکرده و

بـا رویکردی کاذبـانه به گرم کردن مجلس خویش دست می زنـد، هم به رزاقیت خـدای فیـاض ایمـان نـدارد و هم با ایمان و عقیـده مردم بـازی می کنـد.برخلاف تصور آنـان که به عامل دروغ به عنوان وسـیله ای برای رسـیدن به متاع دنیوی چنگ می زننـد، دروغ روزی را کم می کند. رسول خداصـلی الله علیه وآله فرمود: «دروغ روزی انسان را کم می کند». [۴۸] و علی علیه السـلام فرمود: «اعتیاد به دروغ موجب فقر و بدبختی می شود». [۴۹] .گویندگان و مرثیه سـرایان بر پایه آیه شریفه «مَّا یَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَیْهِ رَقِیبٌ عَتِیدٌ» [۵۰] می دانند آدمی، در رستاخیز مسؤول گفتار خود است، بنابراین بایستی از ذکر رخدادها و تحلیل های غلط که شاهدی بر صحت آنها وجود ندارد، خودداری کند، زیرا مطالب بی پایه و برداشت نادرست، آثار مخرب از خود بجا می گذارد و حداقل جامعه را برخلاف هدف امام حسـین علیه السـلام دچار رکود و رخوت می نماید. رسول خداصلی الله علیه وآله به ابـاذر فرمود: «مـا مِنْ خَطیبٍ یَخْطُبُ إِلّـا عُرِضَتْ عَلَیْهِ خُطْبَتُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ ما أَرادَ بِها». [۵۱] .«هیچ سخنگویی نیست کـه سـخنی بگویـد مگر آنکه روز قیـامت سـخنش و مراد و مقصـودش را از آن به او عرضه می کننـد».۷. حفـظ دین و احیای ارزش های اصـیل اسلام و تشیع در برابر بدعت ها، تحریف ها، مسخ ارزش ها.۸. سعی و کوشش در توجه دادن مردم به قرآن و بهره گیری از آیات و روایات، و تفسـیر و تحلیل زمینه های پیدایش عاشورا و تشریح اهداف و فلسفه قیام حسینی و پیام ها و عبرت های عاشورا و پرهیز از افسانه پردازی.از حسین، اکتفا به نام حسین نبود در خور مقام حسینبلکه

باید، که خلق دریابند علت اصلی قیام حسینشد مکرر عزای او، که شود هر کسی واقف، از مرام حسین [۵۲] .۹. الگو ساختن پیشوایان معصوم برای جامعه.۱۰. چون پیرایش، پالایش و آرایش فرهنگ عمومی مردم، وظیفه گویندگان آگاه است، لذا داشتن شجاعت معنوی برای ابهام زدایی و خنثی سازی تبلیغات دشمنان و صیانت از عقاید اسلامی و جلوگیری از تحریف اهداف و ابعاد نهضت حسینی و تصحیح انحراف های فکری و توجیهی با اتکاء بر منابع موثق و با ارائه طریق، وظیفه سخنران مجلس است.۱۱. مرزبانی و خرافه زدایی و نفی و طرد اهل بدعت و اندیشه های باطل و آراء اختراعی و عدم استفاده از کتاب های ضعیف و تحریف گستر و توصیف صحنه کربلا و نقل حوادث عاشورا آن گونه که واقع شده است. زیرا دل ها به دست مقلب القلوب است، و اوست که رقت قلب ایجاد کرده و اشک ها را روان می سازد.۱۲. از ذکر فضائل و معجزات و مطالبی که اثبات و قبول آن برای عوام مردم دشوار یا غیر ممکن است. گرچه حق باشد - و چیزهایی که اثبات نشده و تنها برای برانگیختن احساسات مطرح گردیده است بایستی پرهیز کرد که خاتم انبیاءصلی الله علیه وآله فرمود: «لا تُحَدِّثُوا النّاسَ بِما لا یَعْرِفُونَ، أَتُحِبُّونَ أَنْ یُکَذِّبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ». [۵۳] .۱۳. درک شرایط زمانی و در غیر ایام عاشورا ذکر مصیبت های سخت ننمایند که دل ها رمیده نشود.۱۴. تقویت اخلاص زیرا اخلاص در واقع عمود خیمه تقرب به خدا و نور کلام واعظان محسوب می گردد. مداحی و سخنرانی وقتی ارزش پیدا می کند و تقدس می یابد که با اخلاص انجام شود.علّامه نوری طبرسی ضمن تأکید

فراوان بر این مسئله می نویسد:البته (مرثیه خوانان و روضه خوانان) باید بدانند و ملتفت بشوند که این عبادت، مانند سایر عبادات است و این عمل، آنگاه عبادت شود که در هنگام بجای آوردن آن، جز رضای خداوند و خشنودی رسول و ائمّه هدی علیهم السلام غرض و مقصدی نداشته باشد و اگر دارد، همان مجرد یافتن ثواب های موعود و پاک شدن از گناهان مهلکه باشد که با اخلاص در عمل منافاتی ندارد.چه عمل باز برای فرمانبرداری (از) فرمان حضرت باری تعالی است که به وسیله آن، ثواب ها برسد و از شر گناهانش ایمن شود. [۵۴] .اگر انگیزه سخنران عشق و ایمان به خدای مهربان باشد بی تردید در نزد پروردگار مأجور خواهد بود و در نزد خلق هم ارج و ارزش زیادی پیدا می کند. اگر زندگی خطیبانی را که خدمتشان چشمگیر و نامشان درخشان مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می شویم یکی از عوامل موفقیت و پیشرفت آنها، اخلاص بوده است.سخن کز دل برون آید نشیند لاجرم بر دل۱۵. من نخواهم مزد پیغام از شما.عدم چشم داشت به اموال مردم و نفروختن این خدمت مقدس به بهای ارزان یکی از پیش شرطهای گام نهادن در میدان تبلیغ است.زیان می کند مرد تفسیردان که علم و ادب می فروشد به نانکجا عقل، یا شرع فتوی دهد که اهل خرد دین به دنیا دهدالبته این بدان معنا نیست که اینان از سر عجب و تکبر هدایای مردمی را نپذیرند. مراد این است که وعظ و ارشاد و مداحی به عنوان شغل ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام قرار نگیرد.۱۶. داشتن ظاهری آراسته.می دانیم که آراستگی و خوشبویی موجب رضای خدا و رغبت مردم است

و رابطه ها را صـمیمی تر می سازد، همان گونه که افراط در رسـیدگی به سـر و صورت و لباس و غـذا، دافعه دارد، بی تناسبی بین موهـای سـر و ریش نیز دافعه دارد. آراسـتگی بـا سـادگی نیز جمع می شود.۱۷. در تنـویر عقـول و تطهیر نفوس بکوشـد و فرهنـگ دینی را قوت و عمق بخشـد. و مجلس را در مسـیر برپایی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر و عبادت خـدا برای رسـیدن به یقین و معرفت الهی جهت دهـد. و رفتـار مخاطبان را به وسـیله التزام به عـدالت و احسان و مکارم اخلاق تعالی بخشد.۱۸. شـناخت مردم و زمان، با رعایت مقتضای حال به تبیین اصول اسلام و تعلیم عوام و بیان حقایق مکتب با بیانی متناسب با فاهمه شـنوندگان و ظرفیت مخاطبان بپردازد و از بیان سـخنان پیچیـده و نامأنوس و ارائه مطالب عقل ناپذیر – چه در حوزه روایت واقعه کربلاـ و چه در سـاحت درایت آن – خودداری نمایـد که علی علیه السـلام فرمود: «کَلِّمُوا النّاسَ عَلی قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ أَتُریـدُونَ أَنْ یُکَذِّبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ».۱۹. تعمیق محبت عزاداران به امامـان اهل بیت علیهم السـلام برای مصون مانـدن از آفات راه.۲۰. تکراری نبودن! چون در عصـر ارتباطات و انفجار اطلاعات کمتر کسی مایل است به توضیح واضحات و مطالب تکراری گوش فرا دهـد لـذا یـک مبلغ موفق همیشه مطـالب نو برای مخاطبـان خویش بیان می نمایـد و آنان را در یک جریان مستمر فرهنگی پیش می برد.سخنور نامدار و شاعر خوش گفتار سعدی چه شیرین سروده است:سخن گرچه دلبند و شیرین بود سزاوار تصدیق و تحسین بودچو یک بار گفتی، مگو باز پس که حلوا چو

یک بار خوردند، بس۲۱. پرهیز از اطاله کلام و اطناب ملال آور که باعث خسته شدن شنوندگان است.رایموندد ونکن گوید: «اگر شما شنوندگانتان را ترک کنید، بهتر از آن است که شنوندگانتان شما را ترک کنند». [۵۵] .۲۲. مبادرت به تصحیح اشتباه بعد از وقوع.۲۳. توقف کوتاه پس از اتمام سخنرانی برای پاسخگویی به مستمعان.۲۴. پرهیز از بیان مطالب بی اساس و نوآوری های بی بنیاد نهراسیدن از گفتن «نمی دانم» که این سخن نشانه بزرگواری و پارسایی و نیمی از دانش است. هیچ کس از یک گوینده انتظار ندارد که همه چیز را بداند ولی امید آن را دارد که اگر چیزی را نمی داند، صادقانه بگوید نمی دانم. [۵۶] .۲۵. اگر مجتهد نیست، در زمینه احکام فتوا ندهد زیرا در آیات فراوان از فتوای بدون علم نکوهش شده است از جلمه طبق نقل تحف العقول پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمود: «کسی که بر مردم، بدون علم فتوا دهد، فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت می کنند».۲۶. تذکر و نقد کار مداح تازه کار در جلسه خصوصی در صورت نیاز.۲۷. پرهیز از خودستایی و به کار نبردن کلمه «من».۲۸. احترام به دیگر خطیبان مجلس.۲۹. بدون وضو بر منبر قرار نگیرد.۳۰. ذکر مصیبت در خاتمه مجلس، ولو از روی مقتل. زیرا خداوند و جبرئیل و فرشتگان و بسیاری از انبیاء روضه خوان و گریه کننده بر امام حسین علیه السلام بوده اند و ترک آن، دوری از راه خدا و فرشتگان و پیشوایان دین است.متأسفانه عدم توجه به این امر مهم که نزد ائمّه علیهم السلام اهمیت فراوانی داشته، مقدمه پیدایی بعض آفات مداحی شده است.۳۱. صبر در راه تبلیغ دین.ادای وظیفه تبلیغ

به دلیل شرایط فرهنگی خاص حاکم بر برخی از محیطها چندان ساده نیست و قطعاً مسائل و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. لازمه اش تحمل سختی ها و بر خویشتن هموار کردن رنج است.آنچه را آدمی در دوران نوجوانی درباره موضوعی شنیده و به عنوان یک حقیقت و اصل مسلم پذیرفته به آسانی از آن دل نمی کند لذا برای قبولاندن نظریه صحیح به زبان و دقت بیشتر و شرح صدر احتیاج دارد و بدون صرف رقت و بردباری به موفقیت نمی رسد. افزون بر این گاه، مورد بی مهری مخاطبان واقع می شوند.۳۲. آغاز منبر با نام نامی و یاد گرامی حضرت بقیه اللّه - ارواحنا فداه - و ختم مجلس با دعا و نیایش برای سلامتی و تعجیل در امر فرج آن حضرت.

نوای شاعران حسینی

توصیه های امامان اهل بیت علیهم السلام مبنی بر بزرگداشت واقعه دلخراش طف و عمق و شدت تراژدی عاشورا از عواملی است که بسیاری از ادیبان متعهد را از دوره های خفقان بار اموی و عباسی تاکنون تحت تأثیر قرار داد و عواطفشان را شعله ور ساخت و آنان سوگ سروده هایی از خود پیرامون واقعه کربلا بجای گذاشته اند. [۵۷] .شاعران پرشور آیینی با انشای اشعار نغز و بلند و دلنشین که بیانگر عزت و مظلومیت حسینی است قیام عاشورا و یاد حسین علیه السلام و مظلومیت آل علی و شهیدان راه حق و کشتگان نینوا را ترسیم می نمودند. و حکام و سلاطین اسلامی را به انتقام گرفتن از بنی امیه، که عامل حادثه هولناک طف بودند، سخت تحریک می نمودند.اگر مضمون پردازی متناسب با شأن اهل بیت و اهداف والای امامان به ادبیات عاشورا زیبایی و غنای خاص نمی بخشید، این مجالس کمتر می توانست

در جان سوگواران شور و انقلاب بر پا کنـد و آنان را متأثر سازد و شور درونی آنان را بر آشوبد، و شعور ناب را در آن فعال سـازد.نقش شـاعران بـامعرفت آیینی - که خامه خویش را در جوهر، عاشورا فرو برده و مظلومیت و عشق و حماسه را با خوش ترین واژگان و شـکوهمندترین سوگ سـروده ها نمایانـده انـد - در زنده نگاه داشـتن و پایایی حماسه عاشورا و ترویج فضائل اهـل بیت علیهم السـلام و تعمیـق محبت و معرفت این اسوه هـای زنـدگی اساسـی و تحسـین برانگیز است و شـاعران اهـل بیت منزلت والایی دارنـد. زیرا الگوهای بی بـدیل آسـمانی را که خالق هستی سـتوده است، مدح می نمایند.آنچه شـعرای اهل بیت باید مورد توجه قرار دهند بدین قرار است:۱. داشـتن غیرت دینی و پاسخ به اشعاری که به سفارش دشمن سروده شده است.۲. مطالعه مقاتل صـحیح و تاریخ های معتبر تا شـعری که انشاء می شود اتکا به متون صحیح داشته باشد.امام حسین علیه السلام را صادقانه و عارفانه توصـیف کند و منزه از هون و وهن و مبرای از تحجر باشد و فقط بر غم و اندوه و اشک و آه اقتصار ننموده، تصویری راستین از سـتمکاری جاری شـده بر علویان ارائه دهد. و از محتوای معتبر و آرمان گرا و قالب های وزین و سـنگین و در عین حال زیبا و جـذاب برخوردار باشـد.۳. آگاهی از تحریفات تاریـخ عاشورا داشـته باشـد تا از گزند آفات این مسـیر دور بماند.۴. دور بـودن از عقایـد و افکـار غلوآمیز را وظیفـه خـود بدانـد. زیرا ریشه هـای فکری امـامیه که از قرآن کریم و سنّت صحیح مایه گرفته است با تصورات غالیانه سر ستیز دارد.شاعر مخلص اهل

بیت در مـدح پیشوایان دین نبایستی راه افراط و زیاده روی را بپیماید و از محدوده ای که دین مبین تعیین فرموده، خارج شود. و اگر چه پیـامبر اکرم و ائمّه اطهـارعلیهم السـلام انسـان هـایی نمونه هسـتند، که بایـد فضایل و مقامات و درجات بلنـد آنان را گفت و تصـدیق کرد، امـا افراط مقـوله دیگری است که به شـدت مـورد نهی و نکوهش قرار گرفته است و پیشوایـان بـا تمـام تلاش خود را برای اصـلاح این انحرافات و نجات آلوده شدگان به کار گرفته اند. علی علیه السـلام درباره خود فرمود: «هَلَکَ فِیَّ رَجُلانِ: مُحِبٌّ غـالٍ وَ مُبْغِضٌ قالٍ؛ [۵۸] دو مرد (دو طرز تفکر) دربـاره مـن تبـاه و نـابود شدنـد، (یکی) دوست افراطگرا و (دیگری) دشمنی که در دشمنی، زیاده روی نماید». آن حضرت در سخنی دیگر در پرهیز از غلو درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود: «إیّاکُمْ وَ الْغُلُوَّ فِینا؛ [۵۹] از غلو و زیاده روی درباره اهل بیت بپرهیزید». امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: «إنَّ قَوْمًا یَقُولُونَ مالا نَقُولُ فِی أَنْفُسِنا، نَبْرَأُ إلَی اللَّهِ مِنْهُمْ؛ [۶۰] گروهی دربـاره ما (خانـدان نبوت) چیزهایی می گوینـد که ما خود نمی گوییم، از اینـان بیزاری می جوییم و به خـدا پنـاه می بریم».امثـال این گونه روایـات در کتب شـیعه، فراوان یافت می شود و بزرگـان شـیعه نیز همین روش را پی گرفته انـد؛ لـذا پیروان آگـاه ابـا عبـداللَّه علیه السـلام به گوینـده ای که اشـعار غیر صحیح که از آن بوی کفر و شـرک استشـمام می شود، اسـتفاده می کند، اجازه نمی دهند در مجالس حسـینی به اجرای برنامه بپردازد.ممکن است برخی با دستاویز قرار دادن برخی از احادیث مثل: «نَزِّلُونا عَنِ الرُّبُوبِیَّهِ وَ قُولُوا فِی فَضْلِنا ما

شِئْتُمْ» [۶۱] سـروده هـای غلوآمیز شاعران را موجه جلوه دهنـد، اما این پنـدار بر پایه درستی اسـتوار نیست. زیرا همان گونه که یکی از فقهای عالیقـدر معاصـر مرقوم فرموده انـد «اعتبار این حدیث محقق نیست و ضـعیف است». [۶۲] .۵. شعرش بدآموزی نداشـته باشـد. در بعضـی یـادداشت ها آمـده است، شاعری زبردست و ولایی که حاجب تخلص داشت، در وصف امیر مؤمنان علیه السـلام شـعر نامناسب زیر را سـرود:حاجب اگر معامله حشـر با علی است من ضامنم، تو هر چه بخواهی گناه کناین محبت کاذب که در این بیت ترویـج شـده بسـیار خطرناک و چراغ سبزی برای بزهکاران است. شـنونده یا خواننده اسـیر دام هوس به واسـطه اعتماد بر مضـمون این بیت، دیگر اهمیتی به سیئات و گناهان نمی دهد و عملاً بی تقوایی و بی پروایی از خدا را پیشه خود می سازد در حالی که امام حسـین علیه السـلام کشـته نشد که به دست ما در گناه باز باشد بلکه به شـهادت رسید تا ریشه گناه سوزانـده شود.جالب توجه آنکه شاعر مزبور شبی در عالم رؤیا علی علیه السـلام را دیـد، امام به او فرمود: حاجب این چه شعری است که گفته ای؟ شاعر گفت: چگونه بسـرایم؟ امام علیه السلام پاسخ داد:حاجب اگر معامله حشر با علی است شرم از رخ علی کن و کمتر گنـاه کن۶. رعـایت ادب و احترام به اهل بیت علیهم السـلام. از آنجا که ستایشـگران و شاعران آیینی در خدمت ذوات مقدس مثل اعلای انسانیت و تندیس اخلاق هستند، بایستی در نهایت ادب و فروتنی از آنان سخن بگویند.در به کار بردن کلمات احترام آمیز نسبت به آن بزرگواران نهایت دقت را داشته و بدین سان حرمت و عصمت

آنـان را پـاس بدارنـد. و از به کارگیری عبارات خارج از شأن والای ائمّه هـدی علیهم السـلام و مضامین واهی و یا مجعول که نوعی تحقیر و کوچک شـمردن ایثارگران کربلا و نشانگر ضـعف و ناتوانی و ذلت پذیری و خواهش امام حسین علیه السلام و یارانش در مقابل دشـمن است و باکیان ذاتی این شخصـیت اسـتثنایی در تعارض است، جـداً پرهیز کنند.در برخی موارد توجه افراطی مرثیه سـرایان و نوحه خوانان به عناصـر عاطفی برای گرفتن اشک از مخاطبان منجر به اشعاری بس منفعلانه از اعمال و رفتار قهرمان عاشورا در برابر دشـمنانشان شده است. عالم متقی مرحوم محدث قمی نوشـته است:مطلبی را که ذلت امام حسین علیه السـلام و اهل بیت گران مقامش را برساند، نگو زیرا آن جناب آقا و بزرگ سرافرازان و غیرت مداران بود. جان دادن زیر شمشـیر را بر خواری و ذلت برگزیـد و با نـدای بلنـد و آتشـین روز عاشورا فریاد کرد: «أَلا وَ اِنَّ الـدَّعِیَّ اِبْنَ الـدَّعِیِّ قَدْرَکَزَ بَیْنَ اثْنَتَیْنِ: بَیْنَ السِّلَّهِ وَ الـذِّلَّهِ وَ هَیْهاتَ مِنَّا الذِّلَّهُ یَأْبَی اللَّهُ لَنا ذلِکَ وَ رَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ». [۶۳] ناپاک پسر ناپاک (ابن زیاد) مرا بر سر دو راهی نگه داشـته است مرگ یـا ذلت. هرگز تن به ذلت نمی دهم. هیهـات که زبونی را قبول کنم. خـدا آن را برای ما نمی پـذیرد پیـامبر و مردان بـا ایمـان نیز از پـذیرش آن ابـا دارنـد.بر ما گمان بردگی زور برده انـد ای مرگ همتی که نخواهیم این قیوداکنون که دیـده هیـچ نبینـد به غیر ظلم بایـد ز جان گـذشت کزین زندگی چه سوداسـتاد محدث متبحر حاج میرزا حسـین نوری - خدا مرقدش را نور باران کند -

در «دارالسّلام»، حکـایتی دارد که گزیـده آن چنین است:یکی از سـادات اهل منبر در خواب دیـد، رسـتاخیز برپا شـده است و مردم وحشت زده اند و هر کس به احوال خویش مشغول است. کارگزاران و موکلان حساب، مردم را به پای حساب می برند و بـا هر فردی گـواه و مـأمور جلـبی اسـت، تـا اینکـه مرا به پـای حسـاب بردنـد.در آنجـا منـبری بـود بسـیار بلنـد و پرپلّه. سیّد المرسلین،صلی الله علیه وآله بر بالای منبر نشسته و علی علیه السلام بر پلّه اوّل بود و مردم را حساب می رسید. همه در برابر او صف کشـیده بودند. نوبت به من رسـید با عتاب به من فرمود: چرا فرزند عزیزم حسین را به خواری نام بردی و او را به خواری نسبت دادی؟ من در جواب آن حضـرت حیران شـدم و چاره ای جز انکار ندیـدم.ناگاه در بازوی خود دردی احساس کردم، گویـا میخی بر آن فرو کردنـد.چون به پهلوی خود نگاه کردم، دیـدم مردی طومار در دست دارد. آن مرد طومار را به من داد. طومار را گشودم، تمام صورت مجلس ها و منابر من در آن، به طور مفصل، ثبت شـده بود. آنچه از من پرسـش شده بود و من منکر گشـتم در آن درج شـده بود. آن خواب سـبب گردیـد که آن سیّد منبر و موعظه را رها کنـد. [۶۴] .سیّد حمیری که از شـاعران متعهـد است روزی با جعفربن عفان برخورد کرد، سـید حمیری به وی گفت: وای بر تو آیا درباره آل محمّدصلی الله علیه وآله این گونه شعر می سرایی؟ما بـالَ بَيْتُكُمْ تَخْرُبُ سَقْفُهُ وَ ثِيابُكُمْ مِنْ أَرْذَلِ الْأَثْوابِچه شـد خانه تان که سـقفش خراب است چرا

جامه تان پست ترین جامه ها شدجعفر در پاسخ گفت: مگر غیر از این بود؟ سید حمیری با ناراحتی گفت: اگر از مدح نیکوی آنها ناتوانی، لب فروبند. آیا آل محمّدعلیهم السلام، را این گونه وصف می کنند؟ من تو را معذور می دارم، طبع تو چنین است و سطح فکرت همین قدر است ولی من مدحی گفته ام که ننگ مدح تو را از دامن پاک آنان می زداید و آن این است:أُقْسِمُ بِاللَّهِ وَ آیاتِهِ وَ الْمَرْءُ عَمّا قال مَسْئُولٌإِنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طالبٍ عَلَی التُّقی وَ الْبِرِّ مَجْبُولٌوَ إِبْنُهُ کانَ الإمامَ الَّذِی لَهُ عَلَی الأُمَّهِ تَفْضِیلٌیَقُولُ بِالْحَقِّ وَ یَعْنِی بِهِ وَ لا تُلْهِیهِ الأَبَاطِیلُیَمْشِی إِلَی الْقَرْنِ وَ فِی کَفِّهِ أَبْیُضَ مَاضِی الْحَدِّ مَصْقُولٌمَشْیَ الْعَفَرْنَی [۶۵] بَیْنَ أَشْبَالِهِ أَبْرَزَهُ لِلْقَنَصِ الْغِیلُذَاکَ الَّذی سَلَّمَ فِی لَیْلَهٍ عَلَیْهِ مِیکَالٌ وَ جِبْرِیلُمِیکَالُ فِی أَلْفٍ وَ جِبْرِیلُ فِی أَلْفٍ وَ یَتْلُوهُمْ سَرَافِیلُلَیْلَهَ بَدْرٍ مَدَداً أُنْزِلُوا کَأَنَّهُمْ طَیْرٌ أَبَابِیلُفَسَلَّمُوا لَمَّا أَتَوْا حَذْوَهُ وَ ذَاکَ إِعْظَامٌ وَ تَبْجِیلٌآری، درباره آن بزرگان چنین باید شعر گفت سروده تو لایق تنگدستان و درماندگان است.سوگند به خدا و به نعمت هایش همانا آدمی مسؤول چیزی است که می گوید. همانا علی بن ابی طالب بر نیکی و پرهیزگاری سرشته شده است. او پیشوای هدایتگری است که بر همه امت برتری دارد. همواره سخن حق می گوید و به حق متوجه است و هیچ گاه کارهای باطل او را به خود مشغول نمی سازد. آنگاه که میدان جنگ را نیزه ها فرو گرفت و پهلوانان از آن می گریختند. او به سوی هماورد خود می رفت در حالی که شمشیری بران و صیقل خورده در دست او بود.

به شیری می ماند که در میان بچه شیران به راه افتاده و بیشه زارها او را برای شکار تهییج نموده است.او همان بزرگی است که در یک شب میکائیل و جبرئیل و اسرافیل و هزار فرشته بر او درود فرستاده اند. در شب بدر مانند طیر ابابیل آن فرشتگان برای یاری او فرود آمدند و چون در برابر علی رسیدند از روی تکریم و بزرگداشت بدرود فرستادند.جعفر، پیشانی او را بوسید و با ادب و احترام گفت: تو ای ابا هاشم به حق سرور شاعران و ما پیروان توییم. [۶۶] .بنابراین شاعران و مداحان باید شیوه شاعران پرشور شیعی چون کمیت ها، سید حمیری ها، عبد کوفی ها سید رضی ها و سید حیدر حلی ها و... را برگزینند. و شعری را که نماد حقیقت نهضت حسینی و ارزش آن باشد بسرایند و بخوانند و از خواندن اشعار ضعیف، سست و بی مدرک در مدح و رثای اهل بیت نبوت پرهیز کنند و از دروغ و جعلیات که موجب وهن مقام معصومین می شود دوری نمایند.شاعر ستایشگر بنام آیینی و مداح با اخلاص اهل بیت، جناب آقای غلامرضا سازگار (میثم) می گفت: روزی به دیدار مرحوم حجّه الاسلام علی اکبر صلح خواه متخلص به «خوشدل تهرانی» که تبیین اهداف مقدس نهضت حسینی را وجهه همت خود قرار داده بود، رفتم، گفت: حضرت امام، فرزند خود جناب حاج احمد آقا را با انعامی نزد من فرستاد و این انعام به خاطر این قطعه بود:بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین استحسین، مظهر آزادگی و آزادی است خوشا کسی که چنینش مرام و آئین استنه ظلم کن به کسی،

نی به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطق دین استهمین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافی است اگر چه گریه بر آلام قلب، تسکین استببین که مقصد عالی وی چه بُد ای دوست که درک آن سبب عزّ و جاه و تمکین استز خاک سرخ شهیدان کربلا خوشدل دهان غنچه و دامان لاله رنگین است [۶۷] .

رسالت مقدس و بایدهای مداحی

از آنجایی که مداحی در ایام سرور و شادی و مرثیه خوانی در عزای معصومان مظلوم - که درود خدا بر آنان باد - هنری مقدس و حرفه ای بس والا و ارزشمند است و در صورتی که توأم با قصد قربت، باشد و همراه با رفتارهای خلاف شرع نباشد جزو کارهای عبادی است و برای تصدی آن شروط و قیودی وجود دارد، بر آنان که قصد پیوستن به جمع خدمتگزاران آستان والای امام حسین علیه السلام و مداحان با اخلاص اهل بیت علیهم السلام را دارند لازم است، اموری را پاس دارند تا در زمره بزرگ شماران شعائر الهی قرار گرفته، و بر ارشاد و هدایت بندگان خدا، و تبلیغ بالاترین رکن دین یعنی «محبت و ولایت» توفیق یابند و به پاداشهای فراوان دست یابند. بر آنان لازم است علاوه بر پیراستگی از بدی ها و تحصیل قداست روح و نزاهت جان و برخورداری از کردار نیک و اخلاق رفیع اسلامی (وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَی اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحًا.) [۶۸] و رعایت تقوا از تمام آلودگی ها دوری کنند و به اوامر و نواهی خداوند پایبند باشند و به خاطر سالم ماندن از خطرات به خدا پناه برده

و از او کمک بخواهند.و خداوند را شاکر باشند که مهر آل علی و عشق رسول اللّه صلی الله علیه وآله و اهل بیت آن حضرت را به عنوان بهترین سرمایه در دلشان قرار داد، آنان را به ولایت چهارده معصوم هدایت کرد و به آنان توفیق داد تا در زیِّ شریف مداحان درآیند و احساس و زبان و هنر خود را در خدمت پیشوایان دین نهاد و عمری را در جهت عشق به اهل بیت علیهم السلام با حضور در جلسات مذهبی به ذکر ائمّه اطهار بویژه گلگون کفن صحرای کربلا و یارانش بگذارنند و قلب ها را عاشق شیدای چهره های پاک اهل بیت بسازند. از خدا بخواهند این منصب ارادتشان حفظ گردد.نماد خادمان ولایی۱. مداح موفق برای ایفای نقش مهم مداحی قبل از اجرای برنامه می کوشد با شرکت در کلاس های مربوطه بر مجموعه ای از معارف علمی و تاریخی آگاهی پیدا کند تا معرفت خود را نسبت به ممدوحان بالا ببرد و با معرفت به منزلت واقعی آنان و توانایی برای مجلس داری به ستایشگری روی آورد. و ضمن مطالعه کتاب های معتبر در باب زندگی پیشوایان اسلام و خواندن مقاتل معتبر و استفاده از تجربیات اساتید و پیش کسوتان از متون ادبی هدفمند، اشعاری را دست مایه کار خود قرار دهد که جمال صورت را با کمال مضمون، یکجا داشته باشد و به دیگر عبارت افزون بر خصایص عاطفی و خیال، و به کارگیری صنعت های بلاغی، بار اعتقادی و پیام داشته باشد. و معرف مقام پیامبرصلی الله علیه وآله، اهل بیت علیهم السلام، حقانیت، عزت و کرامت و در عین حال مظلومیت آنان باشد.مداحان جوان می توانند نیازهای ضروری کار خود را

از مجموعه های شعری زیر برآورده سازند که مشتمل است بر مرثیه های آگاهی دهنده و متین و پرمحتوا که سرایندگان آنها ظرافت لفظ را با صلابت و اتقان معنا چون شیر و شکر در هم آمیخته اند و فراهم آورندگان در سیاحتی روحانی گوهرهای درخشان از دل دریای ادب عاشورایی به دست آورده و سخاوتمندانه تقدیم خوانندگان خویش کرده اند.مجموعه های شعری که توسط آقای احمد احمدی بیرجندی، و مجموعه هایی که به انتخاب و اهتمام آقای محمّد علی مجاهدی (پروانه)، و مجموعه هایی که به کوشش آقای محمّد علی مردانی و نیز مجموعه ای که توسط آقای حاج علی انسانی و شاعر مجاهد و هدفمند، آقای حاج صادق تائب گزینش شده است.روشن است مداحی که استاد ندیده و در جهت غنای فکری و محتوایی برنامه خویش نمی کوشد و با علمای صالح ارتباط ندارد، نمی تواند مطالبی را در اختیار مداح گذاشته اند گرانبهاتر باشد. و نمی تواند کلمات عربی را که گاه جابجایی یک حرکت اعراب، معنی را خراب می کند صحیح تلفظ کند.۲. اصلاح نیت و جلب رضایت خدای مهربان یکی از مسائل با اهمیتی که برای مدیحه سرایان و مداحان توجه به آن ضروری و ارزش آفرین است پاکسازی نیت و دوری از ریا و ظاهرسازی است. چون عزاداری برای عزیزان درگاه خدا، امری عبادی (نه توصلی) است [۶۹] و عبادت بدون قصد قربت و خلوص نیت مورد پذیرش واقع نمی شود، از این رو بایسته است مداح و ذاکر اهل بیت علیهم السلام اخلاص را که جوهر، خدایی است در خود پدید آورد و فقط برای رضایت خداوند و خشنودی پیامبرصلی الله علیه وآله و امامان پاک مداحی کند تا عمل بی شائبه او نزد خدا

و خلق و در پیشگاه ارواح طیبه معصومان مقبول واقع شود. در غیر این صورت هیچ تأثیری در قلوب بر جای نخواهد گذاشت و خواندنش تنها در بستر شنیدن جاری است و بس.علّامه نوری طبرسی ضمن تأکید فراوان بر این مسئله می نویسد:البته (مرثیه خوانان) و روضه خوانان باید بدانند و ملتفت شوند که این عبادت، مانند سایر عبادات است و این عمل آنگاه عبادت شود که در هنگام بجای آوردن آن، جز رضای خداوند و خشنودی رسول و ائمّه هدی علیهم السلام غرض و مقصدی نداشته باشد و اگر دارد، همان مجرد یافتن ثواب های موعوده و پاک شدن از گناهان مهلکه باشد که با اخلاصی در عمل منافاتی ندارد. چه عمل باز برای فرمان برداری از فرمان خود حضرت باری تعالی است که به وسیله آن، به آن ثواب ها برسد و از شر گناهانش ایمن شود. [۷۰] .۳. قبل از اجرای برنامه با دعا و خواندن آیه الکرسی، دادن صدقه و استعاذه واقعی خود را به خدای توانا بسپارد و با استمداد از روح بلند چهارده معصوم پاک، برنامه خود را با نام خدای سبحان آغاز کند و بعد از آن درود و صلوات بر سرور عالمیان و آل پاک او بفرستد.۴. هدف کلی او احیای امر و اندیشه امامان و ارزش های دینی، معنوی و فرهنگی و احیای روحیه جهاد و شهادت طلبی و زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی و حماسه آفرینان آن باشد. و از عواطف پاک دوستداران اهل بیت و جهت دادن به آنها در مسیر تهذیب نفس و آراستگی اخلاقی نیکو به نحو شایسته استفاده کند. و در بالا بردن سطح مطالبات بانیان و

شنوندگان از کیفیت شعرها، شأنیت سبک ها و نغمه ها، تلاش کند.۵. نغمه ها و سبک های زیبای سنتی نبایستی غناآور باشد و هیچ گونه شبهه و شباهتی مستقیم با نغمات لهو و لعب نداشته باشد.مداحان، به لحاظ آنکه کارشان بر دو عنصر «صدا»، «شعر» متکی است، باید مواظب باشند غنا نخوانند زیرا در حرمت غنا میان عالمان شیعه خلاف نیست. [۷۱] و ادله منع، و عدم ثبوت مخصص، غنا کردن در مجالس حسینی نیز حرام است و از قداست و موقعیت آن می کاهد. در این بند از کلام سخن یکی از علمای بزرگ را نقل می کنیم که فرموده است:اعانت غناء بر بکاء و تفجع ممنوع است، چه دانستی که غنا، صوت لهوی است و لهو را با بکاء و تفجع مناسبتی نیست، بلکه بنابر ظاهر تعریف مشهور که او را ترجیع مطرب دانسته اند همچنین است، چه طرب، مطلق اختلاف حالت است و طربی که حاصل می شود از او اگر سرور باشد منافی تفجع است نه معین بر او، و اگر حزن باشد به جهت آن است که در نفوس حیوانیه از فقد مشتهیات نفسانیه مرکوز است نه به جهت آنچه به سادات زمان و عترت خاتم پیغمبران رسیده، بر فرض که اعانت کند توقف مستحبی یا مباحی بر امری دلیل بر اباحه او نیست، بلکه لابد باید ملاحظه دلیل حرمت کرد، اگر بود بسیار خوب و الا به حکم اصل، محکوم به اباحه خواهد شد. به هر صورت جایز نیست تمسک در اباحه به اینکه مقدمه امر غیر حرام است.و آنچه از کلام او ظاهر می شود که فرموده در مراثی طرب نیست، نظر به مثل مراثی

متعارفه نزد اهل دیانت است که مقصود ایشان از مرثیه جز تفجع نیست. و گویا حادث نشـده بوده در عصـر او مراثی آن چنانی که اکتفـا می کننـد اهـل لهو و خوش گـذران هـا از مردان و زنان به آن مراثی از حضور مجالس لهو و ضـرب اعواد و اوتار و تغنی به قصب و مزمـار، چنـانچه شـایع است در زمـان مـا، و چنـانچه خبر داده پیغمبرصـلی الله علیه وآله به نظیر او در آنجـا که فرموده: يَتَّخِذُونَ الْقُرآنَ مَزامِيرَ.چنانچه زیارت حضـرت سـید الشهداءعلیه السلام سفرش از اسفار لهو و نزهت شده برای کثیری از مـترفین.و همانـا پیغمبرصـلی الله علیه وآله خـبر داده به نظیر او در سـفر حـج و فرموده: اغنیـای امت من برای نزهت حـج می کننـد، و اوسـاط برای تجـارت، و فقرا برای سـمعه و گویـا کلام آن حضـرت مثل کتاب عزیز است که وارد است در موردی و جاری است در نظیر او.۶. مداحی را وسـیله کسب خویش نسازد. برگزارکنندگان مجالس حسینی ذاکر منیع الطبعی که رعایت انتسـاب خود را به خانـدان وحی می کنـد و عزت نفس دارد، بسـیار دوست داشـته و او را بیشتر تحویـل می گیرنـد و به عنوان گوشه ای از ارادت و عشق به ائمه هدی علیهم السـلام از پرداخت وجه به آنان مضایقه نداشته و ندارند، لیکن تبدیل شدن این فرهنگ به نوعی کسب و کار سودآور و تعیین پیش شرطها و پیش پرداخت های مالی و حرفه ای شدن، وجهه مداحان عزیز را ملکوک می سازد.در حـدیثی حال این گونه مردم چنین بیان شـده، گفته اند: يَطْلُبُونَ الدُّنْيا بِاَعْمالِ الْآخِرَةِ؛ [۷۲] با کار آخرتی دنیا را می جویند.امام علی علیه السلام در نکوهش افرادی که از راه

استفاده بی مورد از علاقه های دینی مردم امرار معاش می کنند فرموده است: «الْمُسْتَأْکِلُ بِدِینِهِ حَظُّهُ مِنْ دِینِهِ ما یَأْکُلُهُ. [۷۳] کسی که نان به دین می خورد، بهره او از دینش همان است که می خورد».تجربه نیز این واقعیت را تأیید می کند. اگر بانیان مجالس و مستمعان ببینند مداحی همواره دم از پول می زند و خدای ناخواسته در رفتارش بی مبالاتی وجود دارد، عزت او از دست رفته و از نفوذ کلامش کاسته می شود و اسباب غیبت و تهمت علیه خود را نیز فراهم می سازد و این به هیچ وجه لایق شأن مداحان مذهبی نیست. چه بسیار افرادی که به واسطه عملکرد ناصحیح برخی از مداحان، از جمع این نوکرهای با اخلاص حسینی دلسرد شده اند.مرحوم آیت اللّه بیرجندی می نویسد: «احوط بلکه متعین آن است که شرط اجرت ننماید. چه موعظه و ذکر فضائل و مراثی اولیاء اللّه از عمده مستحبات است. و عمل واجب و مستحب شرعی آن است. که حق خداوند عزوجل است که آن را بجای بیاورد. پس بجای آوردن آن برای اجرت منافی با بودن آن است اداء حق الهی هر چند قصد قربت در آن شرط نباشد». [۷۴] .۷. پذیرش دعوت بانیان بدون تبعیض. یکی دیگر از بایسته های مرثیه خوانی و ذکر مصیبت خاندان وحی این است که ذاکران و مداحان بدون تبعیض هر جا که فرا خوانده می شوند، حضور یابند و به ارادت خالصانه مردم پاسخ مثبت بدهند و بین ثروتمند و مستمند، مسؤول و غیر مسؤول، شهری یا روستایی فرق نگذارند.بوده اند مبلغان و ذاکران بزرگواری که دست رد به سینه هیچ مشتاقی ننهاده اند. و وقتی امر دایر شده، که در ساعتی معین

در منزل کارگر فقیری انجام وظیفه کنند یا فردی ثروتمند، فقیر را ترجیح داده اند و معتقد بودند شاید امام زمان(عج) جلسه پر جمعیت فلان هیئت را نادیده بگیرد و در کوچه پس کوچه های شهر در جلسه کهنسال مخلصی که با حضور چند نفر محفل کوچک و بی ریایی تشکیل داده شرکت نماید.۸. احیای نام یاران امام. به یاد کرد همه یاران پاکباز و اصحاب فداکار امام حسین علیه السلام و اسیران سرافراز کربلا توجه داشته باشد.تنها به ذکر مصیبت برخی از آنان بسنده نکند، زیرا در نمایش عاشورا همه سرباز – به معنی واقعی کلمه – بودند. نقش قهرمان را تنها بعضی از اصحاب بازی نکرده اند، بلکه هر یک در جای خود و بجای خود، سرباز و قهرمان بودند.۹. یاد کرد از منتقم حقیقی. مجالس خود را با یاد حضرت مهدی (عج) – که منتقم حقیقی واقعه کربلا است – پیوند زنند و توسل به آن حضرت و دعا برای فرج حضرتش را در برنامه خود قرار دهند.۱۰. رعایت احترام پیش کسوتان. هر قوم و ملت و صنفی پیش کسوتانی دارد که باید از تجربیات آنها استفاده کرد و به شخصیت آنان احترام گذاشت زیرا ایشان نیز همان رسالتی را به دوش کشیده اند که او ادامه دهنده آن است مگر نه این است که قرآن می فرماید: «وَ السَّبِقُونَ السَّبِقُونَ، أُوْلَـٰٓئِكَ الْمُقَرَّبُونَ». [۷۵] .۱۱. نیز بایستی به گویندگان، سرایندگان، خدمتگزاران مجالس حسینی احترام بگذارد، چرا که احترام به آنان، به نوعی احترام به امام حسین علیه السلام است.۱۲. متانت و وقار توأم با تواضع: مداح مخلص ائمّه علیهم السلام در مجلس حسینی جانب متانت و وقار را نگه می دارد و از به

کار بردن عبارت های مستهجن و قبیح در جلسات شادی و سرور می پرهیزد و مخاطبان را با تعبیرهای وزین مورد خطاب قرار می دهد زیرا می داند اگر عفت کلام و ادب را در این گونه مجالس مراعات نکند، مورد احترام مردم قرار نمی گیرد و به هدف خود که اقناع و ترغیب مستمعان است نمی رسد.۱۳. مستند گویی. استوار بودن سخن براساس منابع و مآخذ قابل قبول و مورد اطمینان، خاصه در ماه مبارک رمضان. به قول حافظ:در بساط نکته دانان خودفروشی شرط نیست یا سخن دانسته گو ای مرد بخرد یا خموشو زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست مربوط به حادثه عاشورا.۱۴. اندازه نگهدار که اندازه نکوست. در ذکر مصائب اندازه نگاه دارند و از خواندن روضه های دلخراش و مصیبت های بسیار فجیع پرهیز کنند.هنرمند کسی است که بتواند از کنار مصیبت رد شود و مردم را به شور آورد. «کنایه» در ذکر مصیبت بهتر از صراحت است.۱۵. اصلاح خطا. اگر در خواندن مرثیه اشتباهی کرد، در همان جلسه و اگر نتوانست در جلسه بعد، آن اشتباه را تصحیح نماید.۱۶. مختصر و مفید. با رعایت زمان معین، مداحی را طولانی نکند خاصه در محافلی که علاقه و زمینه کمتری نسبت به مداحی در آنها وجود دارد. به تعبیر شاعر:حکیم و عاقل و دانا کسی بود که سخن به فهم گوید و کم گوید و نکو گوید [۷۶] .۱۷. استیذان. در مجالس خصوصی بدون اذن صاحب مجلس، به مداحی نپردازد. و در مکان های وقفی که متولی شرعی دارد، از متولی اجازه بگیرد.۱۸. دوری از غرور. گاه کثرت مستمعان یا تعریف و تمجیدهای آنان و گاه عوامل دیگر سبب

غرور مداح می شود که با دانش اندک ادعای دانایی تا عرش می کند! این روحیه اگر با تقوا و تزکیه نفس ریشه کن نشود، آفتی است بزرگ و مانع رشد و تکامل و اصلاح جان او.۱۹. پرهیز از غلو. یکی از پی آمدهای بسیار زیان بار غلو در مقوله عزاداری، بالا رفتن ظرفیت سوء استفاده دشمنان از این گونه مراسم است؛ لذا یک مداح خوب از غلو دوری می گزیند. یعنی امام حسین علیه السلام را در جایگاه واقعی خودش معرفی کند نه کمتر و نه بیشتر، چون هر چیزی که از حد اعتدال خارج شود، موجب انحراف خواهد شد. محبت به معصومان نیز از این مطلب مستثنا نیست. همان طور که این انحراف در تاریخ رخ داد و موجب پیدایش غالیان شد.با کمال تأسف شنیده شده بعضی از مداحان به علت محبت خارج از حدی که تابع احساسات و تخیلات است، در حال مداحی از راه اصلی منحرف شده و سخنانی مطرح کرده اند که تا سر حد شرک بوده است! در این باب سخن ها دارم، ولی ناگفته اولی. برای در امان ماندن از غلو در مداحی، لازم است، همواره دیدگاه ها و نظرات مراجع عالی قدر تقلید و بزرگان حوزه علمیه را مد نظر داشته باشند و از انجام هر نوع فعالیت مغایر با اندیشه ها و دیدگاه های ایشان پرهیز کنند.۲۰. پرهیز از به کار بردن القابی که به شدت از مقام ائمّه علیهم السلام می کاهد. اغلب مشاهده می شود مداحان یا مرثیه سرایانی که به منظور عظمت دادن به حضرت امام زمان (عج) در مدیحه سرایی ایشان را به لقب «اعلی حضرت» می خوانند. این دلیل بر این است که فرهنگ واژگانی این مدیحه سرا آنچنان محدود است

که تصور نمی توانـد بکنـد که همـان لقب «امام» هزارها بار والاتر و بالاتر از این نوع القاب ساخته شـده به دست بادمجان دور قاب چینان درباری است و هرگز در شـئونات این حضـرات مقدس نیست که حضـرت رضا ثامن الائمه علیه السلام را شاهنشاه بخواننـد، در حـالی که مرتبه شـاهی بسـی نازل تر از مقام امامت و ولایت است. [۷۷] همین جا باید افزود که کاربرد نامناسـب اسامی معصومان در مـداحی های امروزی موجب هتک حرمت امام و وهن عزاداری هاست.۲۱. برپایی مجالس. مدیحت پرداز اهل بیت علیهم السـلام نه تنها در جلساتی که دیگران تشـکیل می دهند با اخلاص شـرکت می کند و به هنگام اسـتماع روضه حـالت بکـاء یا تباکی می یابـد بلکه خود نیز در صورت توان اقـدام به تشـکیل جلسات به مناسـبت ولادت و شـهادت پیشوایان دینی می نمایـد و از وعـاظ فاضـل دعـوت به عمـل می آورد. و نیز در صورتی که مجلس نداشـته باشـد پـای سـخنان گوینـده مجلس می نشیند.۲۲. تنفر از تملق گویی. مـداح چـاپلوس کسـی است که به انگیزه طمع برخلاـف عقیـده بـاطنی خود، لب به تمجیـد از صاحب مجلس می گشاید و با ثناگویی نابجا، شخصیت و ارزش انسانی خود را پایمال می کند. بنابراین یک مداح خوب اگر در مواردی لازم است از صاحب مجلس و دست انـدرکاران مجلس روضه خوانی و خـدمات مفیـد و انسانی آنها از باب «مَنْ لَمْ یَشْـکُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ یَشْکُرِ الْخالِقَ» [۷۸] تشـکر کند، حد اعتدال را مراعات کرده از افراط و گزاف گویی و تعریف های غیر واقعی و توصـیف های اغراق آمیز و چاپلوسی های گدامنشانه اجتناب نمایند که از علی علیه السلام روایت کرده اند: «کِثْرَهُ الثَّناءِ مَلَقٌ یُحْدِثُ الزَّهْوَ وَیُدْنِی مِنَ الْعِزَّهِ» [۷۹]

از زیـاده روی در مـدح دیگران، چاپلوسـی است که تکبر را به دنبـال دارد. و شخصـیت انسـان را پایین می آورد.۲۳. پرهیز از سوگند. خداوند حمید در قرآن مجید می فرماید: «وَلَا تَجْعَلُواْ اللَّهَ عُرْضَةً لِّأَيْمَنِكُمْ» [۸۰] خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهیـد.امام صادق علیه السـلام فرمود: «وَلا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صادِقينَ وَ كاذِبينَ». [۸۱] .به خدا سوگند مخورید چه راسـتگو باشـید و چه دروغگو. زیرا قسم خوردن به اللّه جز برای اثبـات حق در محکمه قضایی مکروه یا حرام است.۲۴. دعوت میزبان خوشنام را در روستاها برای میهمانی بپذیرد.۲۵. با طرح مسائل اختلاف انگیز خود را درگیر اختلافات دیگران نکنـد.۲۶. در حرکت های سیاسـی، اجتماعی و اقتصادی دقت کند که به دم یا قلم و قدم از سداد و وداد اعراض نکنند و خلاف شأن عمل نکنند و از زِیِّ ذاکران اهـل بیت خارج نشود.۲۷. هیئت ظـاهری این طایفه جلیل، با مکانت او هماهنگ باشـد.۲۸. مداح باید کوشـش کند از مواضع تهمت دوری گزینـد، که گفته انـد: «إِتَّقُوا مَواقِفَ الرَّيْبِ». در صورت عـدم اجتنـاب از زمینه سـازی اتهـام خود و عموم مردم به خاطر سوء تفاهمی که پیدا می شود گرفتار سوء ظن و دیگر گناهان خواهند بود.۲۹. پوشیدن لباس سیاه در دو ماه عزا (محرم، صـفر)، دست کم در دهه محرم، بـویژه روزهـای تاسوعـا و عـاشورا.۳۰. مراقـب باشـند که آلت دست و وسـیله اجرای مقاصـد پسـت مغرضـان و مفسـدان و افراد فرصت طلب واقع نشونـد و در حـدود وظـایف و تکـالیف شـرعیه خـود به مـداحی بپردازند.۳۱. تکرار و تمرین داشـته باشـد تا مراثی و اشـعار در ذهنش نقش ببنـدد و بتواند خود را تحت مراقبت های لازم قرار دهد.۳۲.

به مناسبت بخواند.۳۳. خصوصیات منطقه ای و جغرافیایی منطقه ای که برای مداحی به آنجا می رود بشناسند و اهتمام به شکسته نشدن سنّت های صحیح اجتماعی داشته باشند.۳۴. مداحان عزیز که در منظر و مرآی مردمان وابسته به مکتب امام حسین علیه السلام شناخته می شوند، باید الگو و سمبل همه خوبی ها باشند. درست به خاطر همین وابستگی مردم انتظار دینداری تام و تمام از آنها دارند. از این رو آنان بیشتر از دیگران باید پایبند به دستورات و تعالیم اسلام باشند.گناه آنان با دیگران فرق دارد. زیرا هرگاه اینان بد عمل نمایند، خطر سست شدن مردم کم ظرفیت و کاهش پایبندی آنان به عزای امام حسین علیه السلام و حتی رویگردانی از اسلام جدی است. مردم نیز متوجه باشند که نمونه های فاسدی که در جمع مداحان وارد شده اند به ماهیت حقیقی آنها پی برده و آنها را به حساب دین و امام حسین علیه السلام نگذارد.۳۵. انتقادپذیری. انتقادناپذیری نشان عجب و خودخواهی و دلیل کم دانشی است لذا مداحان مخلص به انتقاد صحیح به شیوه کارش با کمال میل توجه کرده و در صدد رفع نواقص برمی آیند و برای نظر، انتقاد و پیشنهاد مردم ارزش و احترام قائل می شوند.۳۶. بی تکبر باشد تا مردم جذب او شوند.۳۷. دارای اخلاق نیکو باشد. اخلاق نیکو از عوامل بسیار مؤثر در اثرگذاری پیام های مداحی است.

پاورقی

[۱] نک: صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۸، کتاب الجنائز، باب قول النبی انابک المحزون، و ص ۲۰۴، کتاب اصحاب النبی، باب مناقب خالد بن ولید؛ طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۱۱، مغازی واقدی، ج ۱، ص ۳۱۷ – ۳۱۵؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۱، سیره ابن هشام،

ج ۳، ص ۹۹، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۱۳؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۳؛ السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۴۶۱.

[۲] مسند احمد حنبل، ج ۲، ص ۴۰؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱۱،جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۶۴.

[۳] انساب الاشراف، بلاذری، ج ۲، ص ۲۷۶، الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۳۸، اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، ص ۸۰.

[۴] السیره النبویه، ج ۳، ص ۱۷۱.

[۵] الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۰۲.

[۶] به آورده فقیه نامی ملا احمد نراقی رحمه الله برخی فقها و مفسران را عقیده برآنست که آیه ۳۲ مجادله «و من یعظم شعائر اللّه فانها من تقوی القلوب» عمومیت و شمول دارد. عواید الایام، ص ۳۱.

[۷] نمونه را نک: تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۴۲، الاغانی، ج ۲۴، ص ۱۶۳؛ العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۸۳.

[۸] المنتظم، ج ۷، ص ۱۵،آل بویه از فقیهی، ص ۴۶۶؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ذیل حوادث سال ۳۵۲؛ تاریخ ابن الوردی، ج ۱، ص ۲۸۰، عضدالدوله، ص ۱۱۹.

[۹] خطط، ج ۱، ص ۴۲۷، چاپ بولاق؛ فاطمیان در مصر، ص ۱۱۶. [

[۱۰] نک: الفرق بین الفرق، ص ۳۶، ابن تیمیه، القرآن و السیف، المنتخب من مدونات التراث، ص ۳۷۲، بدایع الوقایع، ۱۳۵۶؛ النقض، ص ۳۷۳ – ۳۷۰؛ شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب، ص ۳۰.

[۱۱] از باب نمونه تنها در کتاب شناسی امام حسین علیه السلام اثر آقای نجفقلی حبیبی ۸۷۸ عنوان کتاب درباره حسین بن علی علیه السلام معرفی شده است و نیز نک: کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام از محمّد اسفندیاری و کتاب شناسی اختصاصی امام حسین علیه السلام از حشمت اللّه

صفرعلی پور.

[۱۲] عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج ۱، ص ۶۰؛بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۵، ج ۹۴، ص ۱۸۴.

[۱۳] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۱، صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۷؛ فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۲۶۲.

[۱۴] آغاز اسلام به وسیله محمّدصلی الله علیه وآله، و بقاء آن به همت حسین علیه السلام می باشد.

[۱۵] نیز نک: صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۳.

[۱۶] دور المنبر الحسینی فی التوعیه الاسلامیه، ص ۱۱۳ - ۱۱۲؛ منهج فی الانتماء المذهبی، ص ۳۲ - ۳۱؛ لقد شیعنی الحسین علیه السلام، ص ۶۵ - ۶۳ و ۳۱۵ - ۳۱۳؛ آنگاه هدایت شدم، ص ۹۸-۹۶ به نقل از واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات.

[۱۷] نک: صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۱ و ج ۱۶، ص ۲۱۹ و ج ۱۷، ص ۲۵۵.

[۱۸] زندگی آیت اللّه بروجردی، ص ۱۴۶.

[۱۹] نک: راه و رسم تبلیغ، کبریت احمر.

[۲۰] نک: عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ص ۳۶۸؛ الامالی، ص ۲۱۴؛ معاهد التنصیص، ص ۱۶؛ الغدیر، ج ۲، ص ۱۹۲۰ - ۱۹۳،۳۶؛ نفس المهموم؛ مثیرالاحزان، ص ۴۴؛ ادب الطف، ص ۵۳ - ۵۲.

[۲۱] وسائل الشیعه، چ آل بیت، ج ۱۴، ص ۵۹۴-۵۹۲؛ رجال کشی، ج۳، ص۱۸۷؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۱۸۳.

[۲۲] نمونه هایی از سوگ سروده های معصومان علیهم السلام در این منابع آمده است: سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۰۴ - ۳۰۲؛ ادب الطف، ج ۳، ص ۳۰۴ - ۳۰۰ و ج ۷، ص ۶۲۱ - ۶۲۰؛ روائع الاشعار من دیوان الائمه الاطهار، ص ۴۱۷ - ۴۰۲،۳۹۸ - ۳۹۵.

[۲۳]

نک: البکاء للحسین علیه السلام از میر جهانی.

[۲۴] نک: بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۴۳۴. تباکی یعنی خود را به گریه واداشتن و تعاون و همراهی و همیاری در آن.

[۲۵] امالی شیخ صدوق، ص ۱۱۲.

[۲۶] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶. ج ۱۰۱، ص ۱۰۳ به نقل از عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۹۹ و امالی صدوق، ص ۱۲۹.

[۲۷] درباره این موضوع در کتاب راهیان کوی یار سخن گفته ایم. نیز نک: نورالعین فی المشی الی زیاره قبرالحسین علیه السلام.

[۲۸] نک: الارض و التربه الحسینیه، ص ۳۲؛ مقتل الحسین علیه السلام از مقرم، ص ۱۳۱.

[۲۹] نک، تاریخ النیاحه علی الامام الشهید، ص ۱۲۰؛ المجالس السنیه، ج ۵، ص ۱۲۳.

[۳۰] درست است که فرهنگ عاشورا که گنجینه عظیمی برای جستجوی اسلام ناب است اما به دست دشمنان دانا و دوستان نادان دچار آفت شده و منبر گرانقدر با همه ظرفیت هایش در اختیار بعضی از مداحان و سخنرانانی قرار گرفته که یا از توان علمی قبل اتکایی برخوردار نیستند یا به هیچ روی، مصالح جهان اسلام و نظام اسلامی را نمی شناسد و پاس نمی دارند! و مدیریت آیین عزاداری گاه در دست کسانی افتاده است که نه با حقایق دینی آشنایی عمیق دارند و نه اوضاع زمانه و مصالح مهم تر را می شناسند. و بهره برداری غلط و بسنده کردن به گریستن و گریاندن آن هم به هر نحوی و با استفاده از هر امکانی ولو غیر شرعی در خور مجالس حسینی نیست، اما باید قبول کرد که این امور دلیل نمی شود که اصل آن و نقش هدایتگرانه و ظرفیت بهره برادری آن را نادیده بگیریم و از مجالسی

که می تواند سازنده باشد جلوگیری کنیم. بلکه لازم است زعمای ذاکران، مداحی را تحت تشکیلات مخصوصی درآورند و آگاهان و آگاهی بخشان با آشنایی به وظائف خود محتوای این برنامه ها را به نفع مکتب تشیع و آرمان شهیدان تغییر دهند و از این فرصت گرانبها که بیش از هر موقعیت دیگری، شیفتگان اهل بیت را گرد هم می آورد، و دل های آنان را نرم و پذیرای مواعظ و معارف می نماید، در جلوگیری از مفاسد فردی و اجتماعی مسلمانان و تجهیز نیروهای مردمی در راه دفاع از مرزهای جغرافیایی و دین مسلمانان بهره کافی بگیرند و در قبال مواریث عظیم و گرانقدر عاشورا رفتارهای بسامان تر و سنجیده تری صورت دهند تا دشمنان فرصت طلب شیعه نتوانند از آن استفاده سوئی ببرند و این نور را خاموش کنند. مرجعیت شیعه می تواند در نظارت بر این راه مؤثر باشد.

[۳۱] امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵؛ عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۰ - ۲۹۹.

[۳۲] وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۱.

[۳۳] سوره مجادله، آیه ۱۱.

[۳۴] وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۹.

[۳۵] سوره مائده، آیات ۷۹ - ۷۸.

[۳۶] امالی صدوق، مجلس ۲۷، ح ۴.

[۳۷] بزرگی گفته است: «اخلاص آن است که چون عمل کنی، دوست نداری تو را بدان یاد کنند و... بزرگ دارند. و طلب نکنی ثواب عمل خویش از هیچ کس، مگر از حق تعالی». تذکره الاولیاء، ص ۴۱۲.

[۳۸] نک: الشعائر الحسینیه فی المیزان الفقهی از عبدالحسین حلی، تحقیق نزار حائری، ص ۲۱۲-۲۱۱.

[۳۹] این جوابیه، در تاریخ پنجم ربیع الاول سال ۱۳۴۵ مرقوم شده است. نک: فتاوی علماء الدین

حول الشعائر الحسینیه، ص ۲۴ – ۲۱.

[۴۰] زیارت عاشورا، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۵.

[۴۱] تراکت عبارت است از کاغذهایی در یک قطع که جملات یا طرح هایی بر آن نقش بسته است.

[۴۲] خداوند در قرآن مجید منصب عظیم وعظ را به رسول خداصلی الله علیه وآله اعطا نموده و فرموده: قل انما اعظکم بواحده (سوره سبأ، آیه ۴۶)؛ ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه (سوره نحل، آیه ۱۲۵).

[۴۳] سوره اسراء، آیه ۳۶.

[۴۴] من نصب نفسه للناس اماما فلیبدا بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره، و لیکن تأدیبه بسیرته قبل تادیبه بلسانه، و معلم نفسه و مودبها احق بالاجلال من معلم الناس و مودبهم. نهج البلاغه، حکمت، ج ۷۳. سعدی گوید: راستی کردند و فرمودند مردان خدای ای فقیه اول نصیحت گوی نفس خویش را.

[۴۵] سوره بقره، آیه ۴۴.

[۴۶] سوره مریم، آیه ۴۱، سوره تحریم، آیات ۵ و ۵۹ – ۵۶، سوره یوسف، آیه ۴۶.

[۴۷] سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۷۳.

[۴۸] جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۷ – ۳.

[۴۹] سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۷۳.

[۵۰] سوره ق، آیه ۱۸.

[۵۱] مجموعه ورام، ج ۲، ص ۵۵؛ امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۴۳.

[۵۲] صابر همدانی، حسین پیشوای انسان ها، ص ۵۳.

[۵۳] غیبت (نعمانی)، ص ۳۴.

[۵۴] لؤلؤ و مرجان، ص ۱۴.

[۵۵] عطر اندیشه های بهاری، حسین سیدی، ص ۱۳۵.

[۵۶] وَلا یَسْتَحِیَنَّ اَحَدٌ مِنْکُمْ اِذا سُئِلَ عَمّا لا یَعْلَمُ اَنْ یَقُولَ لا اَعْلَمُ، نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۸۲؛ غرر الحکم، ص

۸۰۵.

[۵۷] استاد جواد شبر، بخشی از مراثی سیدالشهداء را

در فرهنگی قطور به نام ادب الطف در زیاده از یازده جلد فراهم آورده است.

[۵۸] نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ش ۱۱۷. و چاپ فیض الاسلام، حکمت ش ۱۱۳.

[۵۹] غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۲۴.

[۶۰] بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۸۶.

[۶۱] اللمعه البیضاء فی شرح خطبه الزهراءعلیها السلام، ص ۶۴.

[۶۲] ولایت تکوینی و ولایت تشریعی، از آیت اللّٰه صافی گلپایگانی.

[۶۳] مثیرالاحزان، ص ۵۵؛ تحف العقول، ص ۱۷۱؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۷ و ۸.

[۶۴] دارالسلام، ج ۲، ص ۲۳۴.

[۶۵] اَسَدٌ عَفَرنی: ای شدید.

[۶۶] دیوان السید الحمیری؛ چاپ دار صادر بیروت، ص ۱۳۲ - ۱۳۱ و الغدیر، الجزء الثانی (جلد ۳ چاپ جدید)، ص ۳۸۲.

[۶۷] دیوان خوشدل تهرانی، ۷۴۵؛ اشک خون، ص ۲۲۱.

[۶۸] سوره فصلت، آیه ۲۳: چه کسی خوش گفتارتر است از آن کسی که به سوی خدا دعوت کند و عمل شایسته انجام دهد.

[۶۹] نک: اکسیر السعاده فی اسرار الشهاده از فاضل دربندی، ص ۲۲-۱۷.

[۷۰] لؤلؤ و مرجان، ص ۱۴.

[۷۱] نک: کافی، ص ۴۳۱، ح ۴ و ۵، ص ۴۳۴، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۵ - ۳۰۳، ح ۲۲۵۹۴،۲۲۵۹۹ و ۲۲۶۰۰؛ تهذیب، ح ۶، ص ۱۰۱۸ - ۳۵۶، ص ۳۵۷، ح ۱۰۱۰۲۰ - ۱۰۱۱۹، استبصار، ج ۳، ص ۶۱، ح ۲۰۳؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۸. شیخ طوسی در خلافی و ابن ادریس در سرائر، ج ۲، ص ۲۲۲، با جمعی دیگر در تحریم مطلق غنا نقل اجماع کرده اند و جمعی مانند محقق در شرایع الاسلام، ج ۲، ص

۱۰، و علّامه درالتحریر، ج ۱، ص ۱۶۱ - ۱۶۰، قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۲۰ و شهید ثانی در الروضه البهیه، ج ۳، ص ۲۱۳ - ۲۱۲، تصریح به شمول تحریم غنا در قرائت قرآن و مطلق شعر فرموده اند و به مقتضای عموم احادیث.

[۷۲] بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶۳.

[۷۳] همان، ج ۷۸، ص ۶۳.

[۷۴] کبریت احمر، ص ۳۷.

[۷۵] واقعه، ۱۱ - ۱۰.

[۷۶] کلیات سعدی، ص ۱۶۴.

[۷۷] هگمتانه تا همدان، ص ۴۰۰.

[۷۸] آنکه از آفریده تشکر نکند، شکر آفریدگار را هم به جا نیاورده است.

[۷۹] غرر الحکم، ۵۶۳.

[۸۰] سوره بقره، آیه ۲۲۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱۸.

[۸۱] وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

